



انترناسیونال

۱۸۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



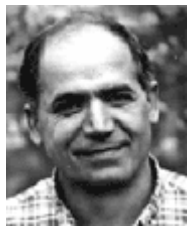
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۴ فروردین ۱۳۸۶، ۱۳ آوریل ۲۰۰۷

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود



اصغر کریمی

"احمدی نژاد" و تلاش رژیم برای
ارباب جامعه بود. این دولت را

صفحه ۳

اهمیت بین المللی اول مه ۸۶ در ایران صحبتی با کارگران و فعالین کمونیست و پیشرو

سه ویژگی شرایط اول مه امسال در ایران را با همه سالهای قبل متمایز میکند:
۱- سال گذشته سال چپ تر شدن جامعه و برافراشته شدن پرچم سوسیالیسم و سرود انترناسیونال در برخی گردهمائی ها بود. سال بالا رفتن شعار یا سوسیالیسم یا بربریت و سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض بود. سال قطعنامه های سوسیالیستی بود. سال اعتراضات مهم کارگری، اعتراض معلمان، اعتراضات گسترده و سرخ دانشجویی بود.



ستون اول

حمید تقوائی

نه جنگ، نه بمب، نه جمهوری اسلامی!

تخاصم و کشمکش بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی هر روز حادث تر میشود. محمل این تخاصم "بحران هسته ای" است اما آنچه در این قالب قرار است حل و فصل شود از مساله دستیابی حکومت اسلامی به سلاحهای هسته ای فراتر میرود. برای جمهوری اسلامی این جنگی برای بقا است و برای دولت آمریکا جنگی با هدف تامین سلطه بلامنازعش بر خاورمیانه و بر جهان! یکی بدنبال مفری از باتلاق عراق است و دیگری بدنبال تشبیت موقعیت لرزان و بحرآنزده اش در مقابل مردم معترض و بیجان آمده جامعه. این جنگ قدرت بین دو قطب تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی غرب، جنگی علیه مردم است. این جنگی است علیه مردم ایران، علیه مردم آمریکا و علیه مردم سراسر جهان. تروریستهای چکمه پوش و عمامه به سر برای اهداف ارتجاعی و ضد انسانی خود میجنگند اما همه جا از مردم قربانی میگیرند. بهای این جنگ را مردم با جان و هستی و زندگیشان میپردازند. تا همینجا این کشمکش بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی به افزایش سرسام آور قیمتها و تحمیل سختی و فشار بیشتر بر زندگی اکثریت عظیم مردم منجر شده است. اکثریت عظیم زیر خط فقر که نه بمب اتم میخواهد، نه جنگ و نه جمهوری

تعدادی از تشکلهای کارگری در ایران:

محمود صالحی باید فوراً آزاد شود اول مه را باشکوه تر از هر سال برگزار خواهیم کرد

۱۰ تشکل و نهاد کارگری طی بیانیه مشترکی دستگیری محمود صالحی را محکوم کردند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او شدند. محمود صالحی ۱۰ تشکل و نهاد کارگری طی بیانیه مشترکی دستگیری محمود صالحی را محکوم کردند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او شدند. محمود صالحی دو روز قبل در سقر دستگیر شد و به بند ۹ زندان سنندج منتقل شد. تشکل هائی که بیانیه مشترک صادر کرده اند عبارتند از:



کردهستان، جمعی از کارگران

صفحه ۵

حمید تقوائی

جنگ تروریستها، جنبش سرنگونی و حزب

کنگره ۶ در ماه مه برگزار میشود

صفحه ۵

در صفحات دیگر

- باور ندارید؟
- غرور من و هراس آنها
- تاریخ خود فریبان
- اگر دنیا دست ما کارگران بود
- دوره جدید،
- اعتراضات معلمان
- نامه ها
- امید رهایی
- یاشار سهندی
- حمید تقوائی
- بهرام بهروزی
- اطلاعه تشکیلات خارج



نازنین برومند

میبرم. دیروز که يك روز تعطیلی بود سر میز صبحانه داشتیم با

صفحه ۱۱

طلسم شکست

این جمله ایست که هر روز با خودم تکرار میکنم و شعف و خوشحالی وجودم را در برمیکرد. طلسم شکست. کمتر از شش هفته است که از اعلام رسمی کمپین "ما از اسلام رویگردانیم" میگذرد. اما انگار هر روز که میگذرد من شخصا بیشتر به عمق این ماجرا و اینکه واقعا چه اتفاقی افتاده است پی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۲

تاریخ خود فریبان!

مقدمه بر کتاب
داستان زندگی انشعاب
حمید تقوایی

تکان میدهند و مقاله به هم قرض میدهند! ناگهان معلوم میشود منصور حکمت در مقطع انشعاب اصلا نمایندگی نمیشده است و نمایندگان واقعی او کسانی هستند که تا کنون سکوت کرده بوده اند! یکبار دیگر معلوم میشود پیروان خاموش دیروز رهبران مدعی امروز بوده اند! میخواستند سکوت کنند! انشعاب نکنیم" و نگفته اند! میخواستند سکوت کنند "جا برای همه گرایش است" و نگفته اند! میخواستند سکوت کنند ما هم مثل شما حمید تقوایی را چپ سنتی میدانیم و "اشتباه" دم فرو بسته اند! امروز که سکوتها را میشکند معلوم میشود کسانی اشتباه رفته بوده اند و کسانی هم اشتباه مانده بوده اند و تقصیر همه این اشتباهات نیز به گردن حمید تقوایی است! کمدی رقت انگیزی است!

پاسخ این کمدی قبل داده شده؛ و مجموعه حاضر بخشی از این پاسخ است. امروز واقعیت زنده حقایق بحث و تحلیلها و کلا صحت موضع حزب ما در مورد انشعاب را، که فشرده آن در قطعنامه کنگره پنج بیان شده، به نحو انکار ناپذیری به ثبوت رسانده است. دوستان تازه لب به سخن گشوده ما حق دارند بر اساس مصالح امروز مواضع دیروزشان را پس بگیرند و یا تعابیر تازه ای از سکوت حکیمانانه خود بدست بدهند. هر چه باشد یکی از مزایای سکوت همین است! اما برای حزب ما این نبردی فتح شده و ثبت شده است. دوستان عرض خود میبرند و زحمت ما میدارند!

۲۳ مارس ۲۰۰۷

اخیرا ارکستر واحدی در حمله به خط رسمی حزب و نظرات من تشکیل شده است. دوستانی در حزب منشعبین و دوستانی در فراکسیون همنوا شده اند و دوباره با بیرق رنگ باخته "چپ سنتی و فرقه ای" به جنگ حزب کمونیست کارگری آمده اند.

این یورش تازه ای نیست، بازگشت لشکر شکست خوردهگان است. منشعبین عزیز ما یکبار در همین میدان شکست خوردند، رفتند و به کار خود مشغول شدند، و اکنون که به آخر خط "سوسیالیسم ریم" میدهد و "چپ ضعیف است" و "راست دست بالا" دارد "رسیده اند، اکنون که بجان هم افتاده اند و تماما زمین گیر و منفعل شده اند، باز میگردند و راه نجات را در حمله به حزب ما میجویند. از خود و گذشته خود و منشور و پلاتفرم بنیادی حزبشان روی برمیگردانند، با خودشان تسویه حساب میکنند، و به ما میتانزند! یورش افغان و خیزان، با تفنگ هائی بی گلوله، بیرقی در هم شکسته و صفوفی درهم ریخته!

اما آنچه این هجوم بی شکوه و حقیرا اساسا ممکن کرده است فراکسیون تازه ای است که از درون حزب ما سر بلند کرده و همان حرفهای کهنه و نقد و رد شده این دوستان علیه حزب و حمید تقوایی را تکرار میکند و حتی تا حد حمله به لنینیسم و حزب لنینی بسط میدهد! نوری در ته تونل هویدا شده است: شاید بشود به ائتلافی رسید! قرار بود بعد از فروپاشی حکومت، دولت ائتلافی درست کنند، حالا برای جلوگیری از فروپاشی خودشان به فکر ائتلاف با دوستان فراکسیونی عزیز ما افتاده اند. به هم لبخند میزنند و دست

یازده سپتامبر" عمیقا مورد نقد قرار میدهد، امروز در شکل مشخص بسند کردن به "مخالفت با جنگ" خود را نشان میدهد. این نوع "صلح طلبی" منفعل و سترون است و خواه ناخواه در خدمت اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی قرار میگیرد. جنبش ضد جنگ برای اینکه پیروز شود باید تعرض کند، باید وضعیت موجود و صفتبندی میان دو قطب تروریستی جهانی را در هم بریزد، و حمایت از مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی اساس این تعرض است.

صرف اعتراض به سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا و متحدیتش کافی نیست. جبهه مردم متمدن جهان علیه دو قطب تروریستی، جبهه سوم، وقتی میتواند پیشرو و موثر و کارساز باشد که تقویت و گسترش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران، و جلب و بسیج حمایت فعال مردم جهان از این مبارزه را نیز در دستور خود قرار بدهد. این تنها راه عملی جلوگیری از حمله نظامی به ایران و در صورت انجام این حمله ممانعت از عراقیزه شدن جامعه است.

در یک سطح جهانی تقویت و حمایت فعال از اعتراضات چپ و رادیکال مردم ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی بقدت مردم، ضربه ای کارساز و تعیین کننده نه تنها بر جنبش ضد انسانی اسلام سیاسی بلکه علیه میلیتاریسم دولتی و چکه پوشان پاسدارنظم نوین جهانی خواهد بود.

سرنگونی جمهوری اسلامی بقدت انقلاب مردم، کمر جنبش کثیف اسلامی سیاسی را خواهد شکست، به سیاستهای ارتجاعی و میلیتاریستی نظم نوین جهانی پاسخی انسانی و کوبنده خواهد داد، و پرچم بشریت آزادیخواه و سکولار و برابری طلب را در سراسر جهان به اهتزاز در خواهد آورد. جمهوری اسلامی باید برود! این حکم مردم ایران و مردم آزادیخواه در سراسر دنیا است. *

مردم در ایران رو در روی حکومتی قرار دارند که ستون فقرات جنبش کثیف اسلام سیاسی است. حکومتی که مظهر توحش نظم نوین جهانی و عجز و ناتوانی نظام سرمایه در پاسخگویی به ابتدائی ترین نیازهای بشریت امروز است.

این شرایط در ایران جمهوری اسلامی زمینه رشد و عروج چپ با پرچم ارزشهای جهانشمول انسانی، با شعار "یک زمین، یک انسان" و "سوسیالیسم برای رفع تبعیض" را فراهم آورده است. ارتجاع و توحش منحصر بفرق حکومت اسلامی، به رادیکالیسم و انسانگرایی بی نظیری در مقابل خود شکل داده است و بجز میتوان گفت جامعه ایران امروز یکی از سکولارترین، ضد مذهب ترین، آزادیخواه ترین و برابری طلب ترین جوامع دنیا است. در مبارزات مردم ایران ناسیونالیسم و محلی گرایی و تعصبات قومی و مذهبی که یک خصوصیت جنبشهای اعتراضی در دوره پس از جنگ سرد بوده است جای چندانی ندارد؛ شاخص خصلت نمای اعتراضات مردم ایران خواست جارو کردن مذهب از دولت و جامعه، برابری بی تخفیف زن و مرد، آرمان تغییر دنیای وارونه موجود، پرچم سوسیالیسم در برابر بربریت، و وطن کوبنده سرود انترناسیونال است!

کلید حل آنچه "بحران هسته" ای نامیده میشود، کلید حل تحریم اقتصادی و خطر حمله نظامی به ایران و پیامدهای جنایتبارش، در دست این جنبش چپ و انقلابی است. این خط اول جبهه نبرد جهان متمدن در برابر دو قطب تروریستی جهان ما است و سرنگونی جمهوری اسلامی هدف مستقیم و تنها معنی واقعی پیروزی مردم ایران و جهان در این نبرد است. تخفیف و حل و فصل بحران میان بالائی ها از طریق سازشهای دیپلماتیک، بازگشت به وضعیت موجود قبل از بالا گرفتن بحران هسته ای است، و معنائی جز شکست مردم نخواهد داشت.

پاسیفیسم و تمکین به وضع موجود که منصور حکمت در "دنیا بعد از

اسلامی را! این اکثریت عظیم درگیر نبرد دیگری است. نبرد برای حق "معیشت و منزلت"، نبرد برای خلاصی از دخالت مذهب در زندگی اجتماعی و خصوصی افراد، و نبرد برای برچیدن آپارتاید جنسی و رفع تبعیض از نیمی از جامعه. نبرد برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی! و این نبردی تعیین کننده و کارساز در مبارزه مردم متمدن جهان علیه جنگ تروریستها است.

از یکسو در خاورمیانه، در فلسطین و عراق و لبنان و در افغانستان و در شمال آفریقا، در کشورهای اسلامزده و در خود کشورهای غربی نیروهای اسلامی افسار گسیخته اند و تا آنجا که میتوانند ترور و مرگ و تباهی و بیحقوقی را بر زندگی شهروندان تحمیل میکنند. و از سوی دیگر دولت آمریکا و متحدینش، چکمه پوشان مدعی دموکراسی، قدرتهائی که خود در شکلگیری و تقویت جنبش اسلامی نقش تعیین کننده داشته اند، به بهانه مقابله با تروریسم اسلامی، سایه شوم ترور نظم نوینی خود را همه جا گسترده اند. در مقابل این وضعیت یک جنبش عظیم ضد جنگ در کشورهای غربی در حال قدرت گرفتن و پیشروی است. شکست دولت بوش در انتخابات میان دوره ای آمریکا خود در تحلیل نهائی انعکاس و نتیجه پیشرویهای این جنبش بود. از سوی دیگر امروز شاهد آنیم که جنبش سکولاریستی و دفاع از حقوق مدنی خود را از زیر بار نسیبیت فرهنگی و مذهب- قومیت گرایی مسلط بر فضای فکری- سیاسی حاکم بر جوامع غربی در دوره پسا جنگ سرد خلاص میکند و قدم بمیدان میگذارد. جنبش ضد جنگ و جنبش علیه مذهب زمینه های مساعدی برای پیشروی و قدرت گیری مبارزه رادیکال و چپ و انسانی علیه با دو قطب تروریستی را فراهم آورده است.

مردم ایران در صف مقدم این مبارزه جهانی قرر گرفته اند. کارگران و زنان و جوانان و اکثریت قریب به اتفاق

توضیح انترناسیونال: مطلب بالا مقدمه حمید تقوایی بر کتاب "داستان زندگی انشعاب" است. این کتاب در سایت روزنه قابل دسترسی است.

www.rowzane.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ اهمیت بین‌المللی اول مه ...

سر کار آوردند که بزند و بکوبد و مردم را مرعوب کند تا جمهوری اسلامی را سر پا نگهدارد. اما این خود دولت احمدی نژاد بود که در برابر گسترش صفوف اعتراضی مردم شکست خورد. گسترش سریع اعتراضات یک شاخص این دوره خواهد بود. مبارزه قدرتمند معلمان و دانشجویان، جنبش چپ آزادی زن و اعتصابات گسترده کارگری و تحریک قابل توجهی که در میان فعالین کارگری برای متشکل کردن کارگران شکل گرفته است بیانگر این تغییر شرایط است.

۳- ویژگی سوم فضای جنگ است. اول مه همیشه یک روز بین‌المللی بوده است اما مساله حمله نظامی به ایران، بطور ویژه ای اول مه در ایران را به افکار عمومی بین‌المللی وصل میکند. مقابله با جنگ نقطه پیوند طبقه کارگر و کل مردم ایران با مردم آزادیخواه و انساندوست در سراسر جهان است. این یک نقطه گرهی است که طبقه کارگر باید از آن به نفع خود نیرو بگیرد و همبستگی مردم جهان را با خود و با مردم ایران در مبارزه شان برای رهائی از کل جهنم جنگ و جمهوری اسلامی جلب کند.

این ویژگی‌ها به مبارزه طبقه کارگر در ایران خصلتی انترناسیونالی می‌دهد که باید توجه کارگران کمونیست و پیشرو را بخود جلب کند. طبقه کارگر بنا به این ویژگی‌ها میتواند تصویر یک جنبش سرخ و سوسیالیستی، جنبشی که آماده است مبارزه آزادیخواهانه مردم برای سرنگونی حکومت را رهبری کند، و تصویر متفاوت و رادیکالی از مقابله با جنگ، یعنی مقابله با هر دو قطب جنگ، به دنیا ارائه دهد. پیشروان طبقه کارگر در ایران باید دنیا را متوجه شرایط خاص ایران و شرایط ویژه مبارزه طبقه کارگر کنند و در صف اول بشریت پیشرو هم در مقابل جنگ و هم در مقابل سرمایه داری قرار گیرند.

سوال این است که آیا طبقه کارگر در ایران آمادگی اینرا دارد که از این شرایط برای تقویت همبستگی مردم دنیا با مبارزه عادلانه خود در مقابل جمهوری اسلامی استفاده کند؟ بعبارتی بخش پیشرو و کمونیست طبقه کارگر آیا به روشنی بر این ویژگی‌ها و اهمیت بین‌المللی مبارزه خود واقف است؟ واقعیت این است که هر چند اینجا و

آنجا در قطعنامه‌ها و شعارهای اعتراضات بویژه در دانشگاهها خط روشنی در نحوه برخورد به جنگ، دیده میشود و در اول مه سال قبل نیز کارگران پیشرو میتینگ خانه کارگرها را به راهپیمایی مستقل خود با شعارهای رادیکال و مشخصا شعار "نه جنگ نه بمب اشتغال" تبدیل کردند، با اینهمه تحریک بالایی نسبت به این مساله دیده نمیشود. همبستگی با مبارزه کارگران نیز مدتها است که به ذهنیتی جا افتاده در میان کارگران پیشرو تبدیل شده است و این یک نقطه درخشان از همان رادیکالیسم طبقه کارگر و جنبش‌های پیشرو در ایران را نشان میدهد. بحث این است که از این موقعیت، کارگران پیشرو و کمونیست باید گامی جلوتر بگذارند و نه تنها همبستگی جهانی با مبارزات طبقه کارگر را تحکیم کنند، بلکه طبقه کارگر و مردم پیشرو در سطح جهان را متوجه افق رادیکال خود، مطالبات آزادیخواهانه خود و استقبالی که از سوسیالیسم در جامعه شکل گرفته است، بکنند. یک واقعیت تلخ در سطح جهان این است که جنبش عظیم جهانی مردم انساندوست و متمرد علیه جنگ، ذهنیت محدودی دارد، جنگ را میبیند اما مصائب مردم ایران را نمیبیند، همانطور که مصائب مردم عراق و افغانستان را نمیدید. به همین دلیل عملا این جنبش بدست اسلامی‌ها و به اصطلاح "ضدامپریالیست"‌ها می‌افتد که در مورد جنگ از جریانات اسلامی قابل تفکیک نیستند. به همین خاطر این جنبش بجای رشد افول کرده است، علیرغم به خیابان آمدن میلیونها نفر عملا چیزی را نتوانسته است تغییر دهد و در نتیجه سرخورده و ضعیف شده است. اکنون در شرایطی که قرار است ایران هدف حمله نظامی قرار بگیرد، نتیجتا ایران در کانون توجه جهانی قرار دارد و طبقه کارگر و مردم ایران میتوانند با بلند کردن پرچمی متفاوت، راه تازه‌ای در مقابل بشریت انساندوست و متمرد قرار دهند، بر جنبش جهانی علیه جنگ تأثیرات عمیقی بگذارند و آثرا زیر دست و پای اسلامیهست‌ها نجات دهند. در سطح بین‌المللی اکنون زمینه بیش از همیشه آماده است. اسلامی‌ها منزوی تر شده اند

و بازیابی در میان مردم شروع شده است، اما جریان رادیکالی نتوانسته است همزبانی خود را بر این جنبش تأمین کند. در چنین شرایطی طبقه کارگر در ایران بدلیل ویژگی‌هایی که برشمرده شد، از این توان تاریخی برخوردار است که بر این مبارزه تأثیرات محسوسی در جهت رادیکالیسم این جنبش، سیاسی کردن آن، تبدیل آن به جنبشی برای تغییرات رادیکال در غرب و در خاور میانه، و فاصله گرفتن از وضع موجود بگذارد. مقابله کارگران و مردم ایران علیه اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی، فضای سوسیالیستی و انساندوستی عمیق و سوسیالیستی موجود در جنبش آزادیخواهانه مردم ایران و در کانون توجه قرار گرفتن ایران، آن ویژگی‌هایی است که طبقه کارگر در ایران را از موقعیت تاریخی ویژه‌ای برخوردار ساخته است که باید بویژه در اول مه از آن سود جوید.

اگر این موضوع به حد کافی توجه بخش پیشرو طبقه کارگر را بخود جلب کند، سیل قطعنامه‌هایی با مضمون سوسیالیستی و رادیکال، شعارهایی که هر دو قطب را نشانه بگیرد و فراخوان‌هایی به مردم دنیا برای اعلام همبستگی جهانی با مبارزه مردم ایران، براه خواهد افتاد. این جوهر اول مه امسال در ایران است. این افقی است که گرایش رادیکال و سوسیالیستی در طبقه کارگر را میتواند متحد کند و به جلو صحنه سیاست در ایران بکشاند. این افقی است که میتواند مبنای اتحاد محافل مختلف درون جنبش کارگری قرار گیرد. این افقی است که مردم را از حالت انتظار نسبت به جنگ بیرون میآورد و به مسیری فعال و رادیکال سوق میدهد.

بخش پیشرو طبقه کارگر باید این شرایط و اهمیت انترناسیونالیستی مبارزه خود را بخوبی درک کند تا آثرا به افق حاکم بر مبارزه طبقه کارگر و کل جامعه تبدیل کند. باید این را بخوبی درک کند تا انزوای گرایشات و جنبش‌های راست در جامعه را عمیق تر کند و از این زاویه نیز برای خود یک پیروزی طبقاتی کسب کند. باید علاوه بر ضرورت مبارزه با جنگ، بر ضرورت مقابله مردم دنیا علیه جمهوری اسلامی نیز تأکید کند و جنبش

اگر دنیا دست ما کارگران بود!

در استقبال از اول ماه مه،
روز مبارزه برای حکومت کارگری

بهرام بهروزی

اول ماه مه روز جهانی کارگران است، روز انسانهای شریف و زحمتکش، روز نه به بربریت و جهان وارونه. روز کارگر، روز اتحاد طبقاتی کارگران است با شعار نه به حاکمیت نظام سرمایه داری. نظامی که چیزی جز، نکبت و بدبختی و پایمال شدن حقوق انسانها در آن به رسمیت شناخته نمی‌شود. نظامی که در آن نیمی از بشریت، یعنی زنان بعنوان انسانهای برابر به رسمیت شناخته نمیشوند و تحت انقیاد مذهب در بی حقوقی اجتماعی مطلق به بند کشیده میشوند یا بعنوان کالای تزئینی مورد معامعه قرار می‌گیرند. نظامی که در آن با حاکمیت مالکیت خصوصی هر چیزی کالا است. حتی خنده و گریه کالا است.

اول ماه مه روز اعتراض کارگران به سیستمی است که در هر کجای جغرافیای انسانها مجبورند برای سیر کردن شکم زن و فرزندانشان از صبح تا شب جان بکنند. در ایران میلیونها انسان در فقر مطلق زندگی می‌کند. با یک حساب سرانگشتی محاسبه هزینه یک خانواده معادل ۸۰۰ هزار تومان می‌شود. امسال حاکمان قرون وسطانی در ایران دستمزد کارگران را ۱۸۰ هزار تومان تعیین کرده‌اند تا بتوانند هر چه بیشتر استثمار کنند، نیرو و توان کارگر را کاهش دهند و قدرت مبارزه کارگر را تضعیف نمایند تا خود بتوانند ویلاهای مجلل و شیک در مناطق خوش آب و هوا بخرند، با ماشینهای مدل سال به اروپا رفت و آمد کنند و به دوستان اروپائی شان نشان دهند که مبللمان شهری در ایران نیز تغییر کرده است.

در ایران حقوق میلیونها کارگر از ۵ تا ۳۰ ماه پرداخت نشده است. میلیونها معلم به همراه خانواده هایشان در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند و در کنار آن هزاران تن مواد غذایی به دریا ریخته می‌شود و فرزندان کارگران و زحمتکششان در بی سوادی بسر می‌برند و در خیابانها و کارگاه‌های تنگ و تاریک و در کارخانه‌ها، نیروی کارشان را به

بهای بسیار کم می‌فروشند تا کمک خرج خانواده‌شان باشند و در کنار آن آخوند های مرتجع در خانه های چندین میلیاردی زندگی اشرافی دارند و در مقابل آن هزاران پرستار باید با حقوق بخور و نمیر زندگی می‌کنند و هر روز هزاران بیمار جلوی در بیمارستانها با جواب اینکه تخت خالی نداریم روبرو می‌شوند و در انتظار مرگ زجر می‌کشند.

این جامعه انسانی نیست. این جامعه دست پخت موجوداتی است که جز بقا خود به چیز دیگری نمی‌اندیشند. حتی لفظ حیوان هم برای این جانیان حافظ نظام سرمایه داری کم است.

امسال شب عید در ایران شاهد چشمان غمبار کودکان بودیم که فقط نظاره گر ویرین مغازه‌های پر از لباس بودند. و هر سال این وضعیت بدتر می‌شود و کودکانمان هرگز به آرزوی کودکی‌شان دست پیدا نمی‌کنند. این جهان، جهان سرمایه اران است. جهان ننگ و نفرت و خون و جنگ. باید به این سیستم جنگ و جنایت خاتمه داد. یاد می‌آید انشائی را که یک بچه کلاس ابتدائی نوشته بود می‌خواندم که نوشته بود: "اگر چند روزی فرمان مدرسه در دست من بود در همه کلاسها شادی بود، همه کلاسها رقص و بازی بود و هیچ کلاس معلم نداشت و همه چیز مال همه بچه‌ها بود و همه بچه‌ها معلم بودند."

اگر دنیا را ما کارگران اداره کنیم دیگر لازم نیست این همه هزینه شود تا نازنین فاتحی و دلارا و شهلا جاهد و ... از طناب دار نجات پیدا کنند. ما حکم اعدام را تماما بر می‌چینیم چون همه چیز برای رفاه انسان سازمان پیدا میکنند. چون انسان حکم می‌راند. اگر دنیا دست ما کارگران باشد همه نعمات موجود جامعه برای همگان است، تمام اسباب بازی‌ها مال همه بچه‌ها است.

اول مه روز کارگران است. باید

تعدادی از معلمان تهران به دادگاه احضار شدند

مبارزه معلمان در همدان ادامه دارد
رژیم دست به انواع توطئه علیه معلمان زده است

اطلاعیه شماره ۲۲،

طبق خبری که روز دوشنبه ۹ آوریل (۲۰ فروردین) از سوی کانون صنفی اعلام شد، نیروهای امنیتی با در دست داشتن حکم بازرسی به منازل اعضای کانون صنفی معلمان ایران در تهران رفته و پس از بازرسی از منازل آنان با توقیف مدارک و کامپیوتر و ... احضاریه دادگاه را به آنان ابلاغ نمودند. در برگه های احضاریه آمده است در صورتی که معلمین بدون عذر موجه در وقت مقرر حاضر نشوند برگ جلب آنها فرستاده خواهد شد.

همچنین بر اساس گزارشی که از سوی معلمان همدان ارسال شده است، معلمان همدان در اعتراض به دستگیری همکاران خود روز شنبه مدارس را به حالت نیمه تعطیل

درآوردند و روز یکشنبه نزدیک به هزار نفر از معلمان و خانواده معلمان دستگیر شده در محل اداره کل آموزش و پرورش همدان دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروهای سرکوب یکی از معلمان بنام زارعی را در این تجمع دستگیر کردند. معلمان به طنز میگویند میتوانند ما را هم بگیرند چون خواست همه ما یکی است.

طبق گزارش دیگری از همدان جمهوری اسلامی از ترس گسترش اعتراض، تاکنون ۲۰ نفر از معلمان را آزاد کرده است اما تعداد دیگری از معلمان همچنان در زندان بسر میبرند. از جمله معلمان دستگیر شده عبارتند از: جلیلیان، رفاهیت، نادری، پیرتاج، قدیمی، جببازی، آزمند، غلامی، نادر

قدیمی، نجفی، فروزانفر و زارعی. در روزهای اخیر وزارت اطلاعات دست به شگرد تازه ای در مقابل معلمان زده است. در همدان اطلاعیه ای جعلی به نام معلمان در برخی مدارس توزیع شده و از قول بخشی از معلمان اظهار ندامت شده و با تداوم مبارزه معلمان مخالفت شده است. معلمان در مقابل این ترفند اعلام کردند به اعتراض خود ادامه خواهند داد. همچنین در سایت کانون صنفی معلمان نیز نامه ای که سرپا در دفاع از رژیم و اسلام و ایدئولوژی حاکم و دفاع است منتشر شده که سوالات زیادی را بالای این سایت قرار داده است. صرف نظر از اینکه علت انتشار این مطلب در سایت کانون صنفی معلمان چیست، آیا به مسئولین

سایت از طرف رژیم تحمیل شده و یا سایت بدست وزارت اطلاعات افتاده است، اما روشن است که این مطلب در دفاع از رژیم و به منظور مخدوش کردن چهره حق طلبانه مبارزه معلمان و منزوی کردن این مبارزه نوشته شده و جای آن نه در سایت کانون معلمان بلکه در نشریه کیهان شریعتمداری است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه بحق معلمان حمایت میکند و همه مردم را به حمایت از مبارزه معلمان و شرکت در تجمعات آنها فرامیخواند. حزب از همه معلمان میخواهد نسبت به طرفنها و توطئه های رژیم هوشیاری بیشتری بخرج دهند و نسبت به درج مطالب ارتجاعی در سایتی که به اسم معلمان اداره میشود حساسیت بیشتری نشان دهند.

اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، احضار مسئولین کانون صنفی معلمان در تهران و همدان و بعلاوه دستگیری محمود صالحی در

سقز، باید با اعتراض یکپارچه معلمان و کارگران و دانشجویان و همه مردم آزادیخواه صورت گیرد. این اقدامات از یکطرف در مقابل تصمیم معلمان به اعتصاب و تجمع اعتراضی در روزهای آینده است و از طرف دیگر به منظور ایجاد ارباب و ممانع تراشی در مقابل اول مه است. پاسخ این اقدامات را ده تشکل کارگری با قاطعیت داده اند. آنها اعلام کرده اند که مراسم اول مه امسال را با شکوهرتر از هر سال برگزار خواهند کرد. حزب از همه کارگران و مردم میخواهد با تمام قوا از معلمان و مبارزه آنها حمایت کنند و مصمم و استوار به استقبال اول مه بروند و خود را برای برپائی بزرگترین تجمعات و راهپیمائی ها آماده کنند. یک مطالبه مهم در تجمعات اول مه آزادی فوری همه معلمان و کارگران و زندانیان سیاسی است.

مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ آوریل ۲۰۰۷، ۲۱ فروردین ۱۳۸۶

تجمعات اعتراضی معلمان در همدان ادامه دارد

معلمان خواستار آزادی بی قید و شرط همکاران خود هستند

اطلاعیه شماره ۲۳،

معلمان همدان روز ۲۱ فروردین نیز برای سومین روز پیاپی دست به اعتراض زدند. صدها نفر از معلمان روز سه شنبه ۲۱ فروردین در محوطه سازمان آموزش و پرورش استان دست به تجمع زدند و با شعارهای "معلم زندانی آزاد باید گردد" و "معلم زندانی حمایت می کنیم" خواهان آزادی فوری همکاران خود شدند.

معلمان معترض در ملاقات با رئیس آموزش و پرورش استان خواسته های خود را طرح کرده و بر آزادی بی قید و شرط همکاران خود

بعنوان فوری ترین خواست خود تاکید کردند. سپس قرار شد دو نفر از معلمان به نمایندگی جمع معترض، دو نفر از جانب خانواده معلمان بازداشتی و رئیس سازمان آموزش و پرورش با مقامات امنیتی و انتظامی و مسئولان ارشد استان در رابطه با آزادی دستگیرشدگان، مذاکره کنند. در پایان تجمع معلمان تصمیم گرفتند در صورتی که همکارانشان تا روز بعد آزاد نشوند به اعتراضات خود ادامه دهند.

جمهوری اسلامی اقدامات سرکوبگرانه خود را در روزهای اخیر، برای مقابله با اعتصاب روزهای ۲۶

و ۲۷ فروردین و مرعوب کردن معلمان و از طرف دیگر برای مقابله با اول مه امسال که شواهد حاکی از برگزاری وسیع آن است، افزایش داده است. گسترش اعتراضات معلمان و بخشهای دیگر جامعه تنها راه مقابله با این سیاست رژیم است. حزب کمونیست کارگری دستگیری و تهدید معلمان را قویا محکوم میکند و از همه کارگران و مردم میخواهد از معلمان و مبارزه آنها حمایت کنند.

مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره ششم حزب

در ماه مه برگزار میشود

کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد خواهد بود

کنگره ششم حزب کمونیست کارگری در روزهای ۲۶ و ۲۷ مه برگزار به شکل علنی برگزار میشود و ورود برای همه علاقمندان آزاد است.

علاقتمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب شرکت کنند و از نزدیک با اعضای رهبری و کادرهای حزب و با مکانیزم های تصمیم گیری در اجلاس عالی ترین ارگان حزب آشنا شوند.

کنگره ششم حزب در یکی از متحول ترین شرایط سیاسی در ایران برگزار میشود و در آن مسائل مهمی مورد بحث و تصمیم گیری قرار خواهد گرفت. از علاقمندان به حزب و همبطنطور از همه احزاب سیاسی، رسانه ها و فعالین سیاسی دعوت میکنیم در این کنگره حضور یابند. دفتر مرکزی حزب دعوت نامه هائی برای لیستی از احزاب و سازمانهای اپوزیسیون و رسانه ها برای شرکت در کنگره ارسال خواهد کرد.

اصغر کریمی
رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آوریل ۲۰۰۷

علاقتمندان میتوانند برای شرکت در کنگره حزب با آدرس های زیر تماس بگیرند و ثبت نام کنند:

دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری

شماره تلفن

0046 739318404

فکس

0046 64897168

markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی:

I.K.K.

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

از صفحه ۳ اگر دنیا دست ما کارگران بود

همین امسال برای پرداخت حقوق های معوقه، افزایش دستمزد، لغو قراردادهای دسته جمعی، برابری کامل زن و مرد در تمام شئون زندگی، پرداخت مطالبات معلمین و پرستاران اعتراضات و سیعمان را سازمان بدهیم. باید اعتراض ما کارگران از سطح صدور قطعنامه

اول مه امسال را باید به روز تعرض به جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

اول ماه مه روز کارگران است. روز اتحاد و اعتراض کارگران علیه نظام طبقاتی است. روز آماده شدن هر چه بیشتر برای گرفتن قدرت سیاسی، تحقق حکومت کارگری و اعمال اراده و حاکمیت بشریت متمدن امروز است. زنده باد اول ماه مه

باور ندارید؟ در کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری ایران شرکت کنید!

امید رهایی

در یک ماه گذشته دنیا شاهد تشدید رویارویی بین دو قطب تروریستی جهانی بود. این رویارویی در بطن شرایطی رقم می‌خورد که با اعمال سیاستهای نظم نوین جهانی آمریکا در جهان پسا جنگ سرد و مقابله قطب تروریسم دولتی آمریکا - اسرائیل در برابر و در مقابله با تروریسم اسلامی ایجاد شده است. این سیاستها عملاً در عراق با شکست جدی روبرو شده و جهان غرب را در یک بن بست سیاسی جدی قرار داده است. در طرف دیگر، تروریسم اسلامی به زعامت عالیجنابان عباپوش و عمامه بسر و مکلائی حاکم بر ایران، مبادرت به بازداشت ملوانان و تفنگگذاران انگلیسی میزنند و با اینکار خود دنیا را بهت زده میکنند و در برابر چنین اقدامی، تروریسم دولتی آمریکا - اسرائیل و هم پیمانانش نیز، با مغتنم شمردن موقعیت بدست آمده، به روشهای مختلف به مقابله بر می‌خیزند. بهترین حربه تبلیغاتی برای توجیه لشکرکشی غرب به منطقه، بهترین امکان برای صدور دستور گسیل ناوهای جنگی حامل بیشترین هواپیماهای جنگنده به منطقه خلیج و هیاهوی کرکننده دستگاه عظیم تبلیغاتی و ژورنالیسم نوکر، تشدید روند مهندسی افکار توسط مدیای غرب بر علیه موج نفرت عمومی قوام گرفته از سوی بشریت متمدن در جهان بر علیه سیاستهای جنگ افروزانه غرب، بشریتی که دیگر در برابر جنگهای جاری در جهان و بویژه

در منطقه خاورمیانه ساکت نمی‌نشینند. نمونه بارز ۱۵ فوریه ۳ سال قبل بشریت متمدن بود که بر علیه یورش نظامی آمریکا و انگلیس به عراق به خیابانها آمد و گوشه ای از قدرت لایزال اش را بنمایش گذاشت. همین، حرکت کوچکی از آن غول خفته ای است که اگر کاملاً بیدار شود و بالفعل شود جهانی انسانی را نوید خواهد داد. طلیعه های چنین بیداری در ادامه خود صحنه های باشکوهی را در حضور مردم در راهپیمائیهای هزاران نفره، در خیابانهای شهرهای مختلف آمریکا و اروپا بر علیه جنگ شاهد این مدعاست. قطب تروریستی اسلام سیاسی، با ترور و اعدام و بمب گذاری و گروگانگیری و سر بریدن در ایران و منطقه دست به کشتار میزند و دومی با عظیم ترین و پیشرفته ترین زرادخانه نظامی دنیا، در ابعاد هزاران نفره شهرها را مورد تهاجم قرار میدهد. دومی بدنال تغییر حکومتها از بالاست و اولی بدنال حفظ خود در اریکه قدرت در ایران و سهم خواهی بیشتر از قدرت های منطقه ای و جهان. ولی هر دو قطب در این مرحله از کشمکش، در برابر یک قدرت و یک جبهه، منافع مشترک دارند و این قدرت مردم است و بویژه قدرت مردم ایران. مردمی که در سالهای اخیر با جنبش سرنگونی طلبانه شان، جرئت کرده اند که با قدرت حاکم در بیافتند و قصد سرنگون کردنش با نیروی خود را داشته باشند و تصرف قدرت سیاسی را در دستور بگذارند. آری، این مردم

ایران، کارگران و زنان و جوانان هستند که با فعال شدن جنبش سرنگونی طلبی خود، به میدان آمده اند که در تعیین سرنوشت جامعه و آینده سیاسی آن نقش بازی کنند و این آن قدرتی است که هر دو قطب تروریسم جهانی در برابر آن به نقطه اشتراک می‌رسند و تمام اهداف عریبه های جنگی هر دو قطب تروریستی بر آن متمرکز است. و از همین رو به ضرورت مقابله با جنبش سرنگونی مردم، جنبش کارگران و زنان و جوانان در ایران می‌رسند. جنبش سرنگونی طلبی نیز در مقابله با شرایطی که روبروست، و دقیقاً با هدف پیروز شدن، با حمایت بشریت متمدن همه جوامع جهان به لزوم مرز بندی با هر دو قطب تروریستی می‌رسد و تنها در این صورت است که قادر خواهد شد آینده ای انسانی را رقم زند. جبهه سوم با این اهداف ایجاد شده و برای جوابگویی به این ضرورت تشکیل گردیده است. پیشروان و رهبران جنبش با هدایت سیاسی تشکیل دهندگان جبهه سوم است که قادر به تشخیص درست دقیق این مبارزه اند.

این جنبش اگر تا به این جا نیز به دستاوردهای خوبی رسیده و آینده روشنی را به جامعه نوید میدهد، از رهبری حزب ارزشمندی بنام حزب کمونیست کارگری ایران بهره برده و تأثیرات سیاسی این حزب بر آن غیرقابل انکار است. امروز، شعارهای اعتراضات کارگری، زنان و جوانان و معلمین در جامعه ایران بیانگر این حقیقت شور انگیز است. این حزب با هدایت تشکیلاتی و سیاسی جنبش سرنگونی در بطن انقلاب عظیم مردم، کارگران و جوانان و با سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی و برقراری حکومت شوراهای مردم، جامعه ای سوسیالیستی ایجاد خواهد کرد و این جواب تمام این عریبه کشی های دو قطب تروریستی در جهان امروز است. آرزو دور نیست. باور ندارید؟ در کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری ایران شرکت کنید تا شاهد عظمت این جنبش باشید و به حقانیت آن پی ببرید!*

از صفحه ۱ محمود صالحی ...

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، جمعی از کارگران کارخانه پریس، جمعی از کارگران اخراجی آلمین، جمعی از کارگران پتروشیمی کرمانشاه، جمعی از کارگران عسلویه و کارگران گرداننده سایت شورا. این تشکلهای در بیانیه خود که همزمان برای سازمانهای کارگری در سطح جهان ارسال شده است، اعلام کرده اند که محاکمه و دستگیری محمود صالحی دهن کجی به طبقه کارگر و زیر پا گذاشتن بدیهی ترین حقوق میلیونها کارگر در رابطه با برگزاری مراسم اول ماه مه است و ما کارگران در قبال آن سکوت نخواهیم کرد. ما برگزاری مراسم اول ماه مه را حق مسلم خود می دانیم و امسال با شکوه تر از همیشه به استقبال آن خواهیم رفت.

حزب کمونیست کارگری از همه مراکز کارگری، از دانشجویان و معلمان و همه مردم آزادیخواه می‌خواهد به هر شکل که میتوانند به مبارزه برای آزادی محمود صالحی بپیوندند و تلاش خود را برای برپائی هرچه باشکوه تر و گسترده تر اول مه دو چندان کنند. پاسخ جمهوری اسلامی تشدید مبارزه و گسترش اجتماعات اعتراضی و برگزاری هرچه قدرتمندتر اول ماه مه روز جهانی کارگر است. اول مه امسال را باید به یک اول مه تاریخی تبدیل کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد اول مه
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آوریل ۲۰۰۷، ۲۲ فروردین ۱۳۸۶

ضمیمه:

بیانیه

تشکلهای کارگری در

ایران:

رو نوشت به همه سازمانهای کارگری

در سراسر دنیا

محمود صالحی باید

فورا و بی قید و شرط

آزاد شود

دیروز مورخه ۲۰ فروردین ۸۶ محمود صالحی با ترفند صحبت در باره مراسم اول ماه مه امسال به دادگاه برده شد و همانجا بر اساس حکمی که صادر گردیده و قبلاً به وی ابلاغ نشده بود، بازداشت و

هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه کارگران نساجی شاهو کارگران نساجی کردستان جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه جمعی از کارگران کارخانه پریس جمعی از کارگران اخراجی آلمین جمعی از کارگران پتروشیمی کرمانشاه جمعی از کارگران عسلویه کارگران گرداننده سایت شورا

برنامه های تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، از ۶ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال یک پخش میشود.

این برنامه هر روز از ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم ظهر به وقت ایران، ۱۲ تا ۱ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود.

آدرس کانال جدید: <http://www.newchannel.tv/>

برای تماشای برنامه از طریق اینترنت <http://www.channelonetv.com/>

برای تماشای مستقیم شماره تلفن تماس با کانال جدید: 001-323 284 42 82

نامه ها به مینا احدی و اظهار نظرها در باره کمپین "ما از مذهب رویگردانیم"

تیتیر نامه ها از انترناسیونال است

شما قهرمانان واقعی قرن ۲۱ هستیید

خانم ها و آقایان محترم
از زمانی که کشور ترکیه احتمال دارد عضو اتحادیه اروپا شود یعنی از چند سال پیش من بیشتر به مطالعه اسلام پرداخته ام. با اینکه در قلبم يك دانشگاهی چپ بودم اما از این همه تفرانس و تعامل نسبت به رفتار اسلام در مقابل عقاید دیگر بسیار تکان میخورم و تعجب میگردم. برایم فعالیت شما بسیار مهم است و شگفت زده شده ام چون میدانم که پیاده شدن قوانین شریعه در اینجا بخصوص برای مسلمانانی که در آلمان زندگی میکنند در زندگی روزمره شان چه معنی دارد.

انسانهایی مثل شما هستند که ارزشهای انسانی را زنده نگه میدارند و میتوانند از آن دفاع و نگه داری کنند بدون اینکه از طرف بلوک "چپ" فوری نسبت راست به آنها داده شود. من از شما به خاطر جرات و عملتان تشکر میکنم. شما قهرمانان واقعی قرن ۲۱ هستیید و من این را بدون غلو مینویسم. بنیانگذاری نهاد شما بهترین خبر در مورد "اسلام" از سالها پیش میباشد. امیدوارم انسانهای زیادی اهمیت و وسعت کار شما را دریابند و آنرا حمایت کنند. من همه توان خودم را بکار خواهم گرفت.

با اردات بسیار

بستیان هولشر

من با تمام قلبم با شما و زنانی مثل شما هستم

خانم محترم مینا احدی

من از رومانی میایم و سه سال است که در آلمان زندگی میکنم و دو سال است که با يك مرد آلمانی ازدواج کرده ام. زندگی من در رومانی خیلی خوب نبود. من در يك جمع بسته ای زندگی میکردم. من اجازه نداشتم که آزادانه با مردی آشنا شوم. من آنجا مجبور به تن فروشی و یا همخوابگی نا خواسته شدم. بد تر از اسلام. در سال ۱۹۹۲ شروع به نوشتن نامه هایی به آلمان کردم تا با يك مرد آلمانی آشنا شوم. این رویای

من بود و اینکه از آن جامعه رها شوم. در سال ۲۰۰۳ بالاخره آزاد شدم. بعد از آن همه گریه و فریاد نامه ای برای دعوت به آلمان دریافت کردم. جالب این بود که يك نامه از يك فامیل نه چندان نزدیک دریافت کردم که با يك مرد ۶۰ ساله آلمانی ازدواج کرده بود. این فامیل من ۲۵ سالش بود. دعوتنامه را من از يك فرد مافیایی سر کارم دریافت کردم. من به آلمان آمدم با قول اینکه در يك خانواده مهربان زندگی و کار کنم و يك همسر آلمانی هم پیدا کنم. در شهر ارفناخ نزدیک فرانکفورت اما من چیز دیگری تجربه کردم. من به يك مرد عرب - ترك که صاحب يك فاحشه خانه بود که در زیر زمین خانه ای که او به عنوان سرایدار در آنجا زندگی میکرد فروخته شده بودم. من باید تن فروشی میکردم و برای او پول در میاوردم. اما من کمی آلمانی میدانستم و او جرات نکرد مرا مجبور به این کار بکند چون میترسید که او را لو بدهم. من با تجربه تلخ و ناامیدی به رومانی برگشتم. آنجا اما يك تجربه بدتر انتظار مرا میکشید. پدر من موافق بود که من با يك مرد ۶۰ ساله زندگی کنم که خودش زنان اروپای شرقی را به دیگران میفروخت. من در يك محیط مافیایی گیر کرده بودم. مادرم گریه میکرد و با پدرم دعوا میکرد و با ازدواج اجباری من با این مرد موافق نبود. در سال ۲۰۰۴ بالاخره از طریق يك آگهی روزنامه موفق شدم با همسر آشنا شوم و با او ازدواج کنم و به آلمان بیایم. اما امروز من هنوز هم کابوس میبینم که مجبور به تن فروشی و ازدواج با مردی شوم. بیچاره مادرم که تحت شرایط سختی مجبور به زندگی با پدرم است.

من با تمام قلبم با شما و زنانی مثل شما هستم.
با درودهایی از صمیم قلب
اسم و آدرس و شماره تلفن در نامه اصلی بود که اینجا حذف شده است.
انترناسیونال

با سلام

ما مقاله شما را در فوروم خودمان درج کرده ایم. ما فمینیستهایی از فرانسه هستیم. آدرس سایت ما هست:
<http://www.c-e-r-f.org>

ما برای قوانین ضد دین امضا جمع کرده ایم. ما معتقدیم که اسلام يك ایدئولوژی سیاسی هست که هدفش از بین بردن دموکراسی است. آنها میخواهند قوانین اسلامی "خدا" را برقرار کنند تا همه آزادیها را از بین ببرند و ما لامذهبیون را بکشند...
<http://forum.aceboard.net/60786-2617-14974-0-Allemagne-Mina-Ahadi-quot-impossible-moderniser-islam-quot.htm>

با درود

شروع بسیار خوب برای مقابله با این موجودات مسمم کننده

من حمید هستم و برای دومین بار به شما نامه مینویسم. زبان آلمانی من آنچنان خوب نیست که بتوانم منظوم را درست بیان کنم. من میدانم که شما وقت کمی دارید و من با نوشتن نامه بیشتر وقت شما را میگیرم. به هر حال مرا ببخشید. این کارو فعالیت شما برای مبارزه با فاندائمنتالیستهای مرتجع برای من جالب است. آنها مثل يك ویروس خودشان زیاد میشوند. آنها عقاید بی مصرفشان را همه جا گسترش میدهند و آدم باید کاری علیه آن انجام دهد. من يك دانشجو هستم و در مراکش حقوق خوانده ام. من در "اتحاد ملی دانشجویان" که يك جریان مارکسیست - لنینیست بود در مراکش فعال بودم. من و رفقایم هر روز تحت تعقیب این جریانات بودیم و هر روز از طرف آنها تهدید و در محیط و خارج از محیط دانشگاه تعقیب میشدیم. رفیق من "ماتی بوملی آیت لیجید بناسیا" به دست این جریانات اسلامی به قتل رسید. آنها میخواهند ریشه مارکسیستها را در دانشگاه بکنند. مارکسیستها اما مقاومت زیادی نشان داده اند و همچنان مبارزه میکنند. به من هم يك بار ۳۰ نفر

از اسلامیستها حمله کردند. ما باید شب و روز مسلح میبودیم تا بتوانیم از خودمان دفاع کنیم. آنها از لحاظ کمی لا اقل خوب سازماندهی شده اند. ما هم باید خودمان را خوب سازماندهی کنیم. سازمان شما يك شروع بسیار خوب است برای مبارزه با این موجودات مسمم کننده. این مبارزه يك مبارزه ایدئولوژیک هست و آدم باید خودش را از این بابت خوب آماده کند. من مایل هستم سازمان شما را بهتر بشناسم. مهم تر از همه این است که شما شرایطی برای ما یعنی کسانی که این امر برایشان مهم است فراهم کرده اید تا همه يك جا متمرکز شویم. ما مطمئن هستیم که فاندائمنتالیستها خیلی ضعیف هستند. آنها يك دکترین غیرعلمی را درعصر علم و دانش برپا کرده اند. من يك سال و نیم است در آلمان هستم. با اینکه من تحت شرایط سختی زندگی میکنم اما سعی میکنم که سیاست و جنبشهای اجتماعی را دنبال و کشف کنم. من حاضر هستم که در سازمان شما عضو شوم. خوشحال میشوم از شما جوابی بگیرم.

با درود و همبستگی به شما و همکارانتان

حمید الحسنی

ما انجمن آتئیستها و

مرتدین در فرانسه هستیم

صبح بخیر مینا خانم،
در ادامه صحبت تلفنی که اخیرا داشتیم میخواستیم عرض کنیم که بسیار متاسفم که ما قادر به صحبت بزبان آلمانی نیستیم. ما انجمن آتئیستها و مرتدین در فرانسه هستیم. همچنین ما مدافع فمینیزم نیز هستیم.
ما مقاله ای را که در مورد شما در روزنامه لیبراسیون به چاپ رسیده بود خواندیم. در بخشی از مقاله آمده بود که شما اظهار تأسف کرده بودید از اینکه ارتباطی در فرانسه ندارید.

ما اینجانبم ویدانید که از این پس شما در فرانسه نیز ارتباطات دارید. ما خواهان همکاری مشترک با شما بوده و خواهیم تا دست در دست

شما بگذاریم. همانطور که خودتان هم اشاره کردید، آتئیستها میبایستی که متحدانه و با صدای واحدی حرف خود را بزنند.

ما مایل هستیم که شما را شخصا ملاقات کرده و در مورد چگونگی همکاری مشترکمان صحبت کنیم.

با تشکر فراوان از توجهتان

اسم نویسنده...

مینا احدی اسلام و پیام آنرا درک نکرده است!

این (مینا احدی) زنی است مانند بن لادن. هر دوی اینها افراطی بوده و به همین دلیل، مینا احدی نیز به همان بدی بن لادن میباشد.

چرا نمی شود که منطق بیشتری در اظهار نظرتمان داشته باشیم؟ مثلاً من خودم بر علیه سنگسار هستم، ولی این به این معنا نیست که من مخالف اسلام بوده و یا از آن روی گردانم.

من میبایستی با دیگر مسلمانانی که دارای ارزشهای مشترکی با من هستند همکاری کنم. حتی اگر وقتی هم مخالف بخشهایی از اسلام هستم، میبایستی از بخشهای خوب آن نیز صحبت کنم. من میتوانم به جرات، با صدای بلند و با قسم به خدا اعلام کنم که این اسلام واقعی است، و تمام حرف اسلام این است: میانه روی، درستکار و بی طرف باش، و در هیچ زمینه ای تندرو نباش. بنابراین، نه بن لادن و نه این زن ایرانی (مینا احدی) اسلام و پیام آن را نفهمیده اند.

اگر چیزی را از فرهنگ غربی در مورد حقوق بشر و حقوق زنان یاد گرفته اید، پس میبایستی این را هم یاد می گرفتید که چه چگونه سیاستمداران از ارزشهای خود دفاع کنید. امیدوارم که محققین دنیای اسلام به این موضوع بطور جدی پرداخته، راه حل مناسبی نیز برای آن پیدا کنند و بتوانند به شجاعت محققین قبل از زمان خود مانند محقق مورد علاقه من، عمر بن الخطاب، که محقق متحیر کننده بود، عمل کنند.

نامه ها به شهلا دانشفر دبیر کمیته داخل و برنامه "کارگران و یک دنیای بهتر"

با سلام به خدمت خانم دانشفر. من سیامک از تبریز با شما تماس میگیرم. میخواستم اینجانب را برای همکاری با حزب کمونیست کارگری راهنمایی کنید.

با تشکر سیامک

دوست عزیز سیامک! سلام!

امیدوارم حالتان خوب باشد. قبل از هر چیز از اینکه خواهان کار فشرده تر با حزب شده اید خوشحالم و دستتان را بگرمی میفشارم. واقعیت اینست که امروز اوضاع سیاسی در ایران خطرناک است و تلاش شما برای کار بیشتر با ما تصمیمی خطیر و مهم است. امروز اوضاع طوریت که بیشترین کار را از تک تک ما میطلبد و همواره فراخوان ما به همه کارگران و همه انسانهای آزادیخواه اینست که بیاید به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید. این حزب شماست. حزب همه کسانی است که برای آزادی و برابری و رهایی از ستم و استثمار و برای دنیایی بهتر مبارزه میکنند. اما در مورد سؤال مشخص شما و نحوه همکاری تان با حزب نکاتی دارم که مینویسم.

برای فعالیت با حزب در سطحی عمومی انتظار ما اینست که دیگران را نیز مثل خود کمونیست و به حزب نزدیک کنید. تلویزیون انترناسیونال و نشریه انترناسیونال را به دیگران معرفی کنید. نشریه انترناسیونال و دیگر نشریات و ادبیات منتشر شده از جانب حزب را به دست جمع های هر چه بیشتری برسانید. ما را مرتباً در جریان مسائل آنجا قرار دهید. اخبار اعتراضات مربوط به کارگران، دانشجویان، معلمان و هر بخش از جامعه را که دارید برایمان بفرستید. کمپین ها و رهنمود های عملی حزب را که از تلویزیون و نشریات آن طرح میشود را دنبال کنید و تا آنجا که برایتان ممکن است روی خطوط آن فعالیت کنید و بدین ترتیب در تقویت نفوذ حزب در جامعه و دخالت فعال حزب در مسایل جامعه به ما یاری برسانید و به لحاظ سیاسی نظرات حزب را در محل نمایندگی کنید. همچنین شما میتوانید با ارسال

گزارش، عکس و مطلب با تلویزیون انترناسیونال و نشریه انترناسیونال همکاری کنید. برای نشریه انترناسیونال مطلب بنویسید. سؤالاتی که از حزب دارید را به نشریه انترناسیونال بفرستید تا در این نشریه به آنها پاسخ داده شود.

اما برای اینکه بتوانم بطور دقیقتر در مورد زمینه های مختلف کار شما و فعالیت مشترکتان با حزب نظر دهم لازمست شناخت بیشتری از شما داشته باشیم. بدانم که اساساً شما در چه عرصه اجتماعی ای کار میکنید، بیشترین تماسهایتان در چه بخش هایی از جامعه است تا روشن تر بگویم که چه میتوان کرد. طبعاً منظورم این نیست که اطلاعات مشخص از خودتان بدهید که باعث شناسایی شما شود. بلکه منظورم اطلاعات اجتماعی مربوط به خودتان است. اینکه مشخصاً با چه بخش هایی از جامعه، زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، خانواده های زندانیان سیاسی، خانواده های جانبختگان راه آزادی و غیره در تماس هستید و یا بطور مثال در کدام شهر زندگی میکنید و امکانات اجتماعی خود شما چیست؟ آیا خودتان تنها هستید یا بصورت جمعی از دوستانان حزب فعالیت میکنید و تا چه حد امکان تکثیر و پخش ادبیات حزب را دارید؟ تا چه حد امکانات تماس در خارج کشور دارید و غیره و غیره؟ دانستن همه اینها کمک میکند تا بتوانیم با برنامه روشنتری کارمان را به پیش ببریم.

از سوی دیگر همکاری در در زمینه های مسایل مبارزاتی روز مهم است. بطور مثال همین الان که نزدیک به اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگری است، دوست داریم بدانیم که اوضاع از چه قرار است؟ چه جنب و جوش هایی بر سر برگزاری مراسم در این روز وجود دارد؟ امکانات خود شما برای با شکره تر و اجتماعی تر کردن مراسم این روز چیست؟ طبعاً با داشتن چنین اطلاعاتی است که خواهیم توانست در هماهنگی با هم کار موثرتری را به پیش ببریم. سیوات دیگری نیز هست که

دانستن آن برای ما مفید و لازم است. از جمله اینکه برای ما مهم است که بدانیم که شما چگونه با حزب آشنا شدید؟ تا چه اندازه مباحث و نوشته های ما را دنبال کرده اید؟ آیا به سایت های حزب دسترسی دارید یا خیر؟ آیا احتیاج دارید که ما مرتباً نشریات و نوشته های حزب را برایتان بفرستیم یا خودتان آنها را از طریق سایت ها بدست می آورید؟ سابقه سیاسی شما چه بوده است و غیره اینها همه به ما کمک میکند که رابطه نزدیکتری با شما داشته باشیم و شما نیز بتوانید دخالت فعالتری در سوخت و ساز سیاسی حزب داشته باشید.

بدین ترتیب می بینید که مسایل زیاد است که مورد سوال ماست و زمینه های بسیاری است که در آن ما نیاز به همکاری رفقای شما داریم. از شما میخواهیم که به این نامه پاسخ دهید و در تماسی منظم با ما باشید. در پایان یک بار دیگر خوشحالی خود را از اعلام آمادگی برای فعالیت با حزب اعلام میکنم و برایتان آرزوی موفقیت دارم.

با تشکر

شهلا دانشفر

زیباترین نوروزی بود

که امسال داشتیم

زنگ زدم که از شما

تشکر کنم!

یک تماس تلفنی در رابطه با برنامه کارگران و یک دنیای بهتر من یک فرهنگی هستم. ۶۰ سال سن دارم. قبلاً با حزب توده بودم، بیننده برنامه های شما هستم. زنگ زدم که از شما تشکر کنم. من کمونیسم را از شما آموختم. برنامه های شما زندگی من را عوض کرد. باز هم متشکرم.

من یک معلم هستم. از اینکه نوشته منصور حکمت در مورد نقد انقلاب روسیه را برایم فرستادید متشکرم. نوشته بسیار جذابی بود. شما با ارسال نوشته های منصور حکمت برایم دریچه جدیدی به رویم باز کردید. با مطالبی که برایم فرستادید زیباترین نوروزی بود که امسال داشتم. باز هم برایم از این

نوشته ها بفرستید. نوشته های منصور حکمت با بیان هنری و تیز بینی و رادیکالیسمش در ذهن آدمی نفوذ میکند. متشکرم.

بهزاد پور

از برنامه های شما

لذت میبرم

من یک کارگر در کارخانه کفش کار میکنم با ۱۵ کارگر. برنامه های شما را نگاه میکنم و لذت میبرم. از اینکه تا این اندازه به فکر کارگران و به فکر مردم هستید لذت میبرم. دوست دارم با شما همکاری کنم.

حمید رضا

من یک دانشجو هستم. دستگیر شده بودم و چند روزی است از زندان آزاد شده ام. یک جمع هستیم. مرتباً برنامه های شما را نگاه میکنیم. چرا روی هات برد نمیروید. چرا برنامه کارگران و یک دنیای بهتر را دیگر پخش نمیکنید. بحثهای بر سر کمونیسم یعنی چه کارگران کمونیسم چه میگویند بسیار بحثهای با ارزشی بودند این مباحث را ادامه دهید. بعضاً اگر بصورت جدلی به موضوعات پاسخ دهید. جذاب تر خواهد بود.

حمید سهرابی

نحوه مرگ او چگونه بود؟

سلام سال نو مبارک

صد سال به از این سالها، باورم نمیشد که با فیلتر شکن بتوانم وارد سایت کارگران بشوم و هر زمان که این کار را میکردم فیلتر بود. مطالب بسیار جالبی در آنجا یافتم مخصوصاً مطلب شما در مورد منصور حکمت و جنبش کارگری. اما من احتیاج به اطلاعات بیشتری در مورد منصور حکمت دارم. تا بهتر او را بشناسم. نحوه مرگ او چگونه بوده؟ لطفاً از او برایم بنویسید و از نوشته هایش برایم بفرستید. همچنین اگر امکان دارد آخرین اخبار از برایم بفرستید. امیدوارم بتوانم با این اطلاعات مقداری در روشننگری کمک نمایم.

با درود بر شما و همه همراهان

سعید از تهران

سعید عزیز سلام

از نامه صمیمانه ات ممنونم. من هم سال نو را به شما تبریک میگویم. سالی پر از موفقیت و پیروزی را برایت آرزو میکنم. خوشحالم که توانستی به سایت کارگران وارد شوی و مطالب مورد علاقه ات را در آنجا پیدا کردی. توصیه میکنم به سایت های روزنه و سایت منصور حکمت که آدرس آنرا در زیر می آورم مراجعه کن. سایت منصور حکمت بهترین مبنا برای شناخت او و مبانی پایه ای کمونیسم کارگری است. بعلاوه در سایت روزنه تو آخرین اخبار را مبینی. اکنون که

نامه فرستادی و با شما در تماس هستم سعی خواهم کرد مرتباً فیلتر شکن های جدید را برایم بفرستم تا مرتباً به تمامی سایتها دسترسی داشته باشی. درخواست میکنم شما نیز آنها را در اختیار دوستان و آشنایان خود بگذار و یا اگر برایتان امکان دارد در صفحات کوچک چاپ کنید و در هر کجا که میتوانید بگذارید تا دوستانان هر چه بیشتری به سایت ها و مباحث این حزب دسترسی پیدا کنند. من از طریق ای میل کتاب منتخبی از آثار منصور حکمت را که ویژه ارسال به داخل ایران گردآوری شده و مطالعه آن به آشنایی با سیر تفکر کمونیسم کارگری کمک میکند را برایتان

میرفستم و به ترتیب نوشته های او را برایتان خواهم فرستاد. از شما نیز میخواهم که این نوشته ها را در اختیار دوستان دیگر نیز بگذارید. میتوانید جمع مطالعاتی آثار منصور حکمت تشکیل دهید و این نوشته ها را جمع مطالعه کنید. بعلاوه من کتاب بیوگرافی منصور حکمت را که بعد از درگذشت او توسط حمید تقوایی نوشته شده میفرستم تا همانطور که خواستی با شخصیت خود او بیشتر آشنا شوی. در آخر در پاسخ به سؤال شما در مورد نحوه مرگ منصور حکمت باید بگویم که وی با کمال تاسف در سال ۲۰۰۲ به علت ابتلا به بیماری سرطان درگذشت و برآستی جایش در میان ما خالیست. یادش گرامی باد.

نامه ها و اظهار نظرها در باره فعالیت‌های مریم نمازی

مریم نمازی عزیز

من بعنوان رئیس اتحادیه دانشگاه آکسفورد شما را برای مناظره در ۳۱ می دعوت میکنم. مناظره در رابطه با این است: آیا مذهب مسئول تروریسم جاری است یا نه؟ این مناظره با گروه استراتژیک فورسایت، یک منبع فکری مهم در سطح جهان خواهد بود که آخرین گزارش معروف به "نامه یک جهان مشمول" را تهیه کرده است. بعد از مشاوره با سران دولتها، مبارزین و شخصیت‌های اصلی دیگر، این گزارش بسیاری از پیشرفتهایی را که در رابطه با تروریسم موجود است را زیر سؤال میبرد منجمله این که مذهب در تروریسم نقش اصلی را ندارد بلکه فقر و بیگانگی اقتصادی دلایل اصلی هستند.

ما افتخار میکنیم اگر شما که سکولاریست سال و یک فعال صریح در مسائلی مانند حقوق زن و سکولاریسم هستید یکی از سخنرانان این مناظره در رابطه با مذهب و تروریسم باشید. ما فکر میکنیم سهم شما فوق العاده خواهد بود بخصوص بخاطر عقاید محکم و تجارب شما بعنوان نویسنده و مسئول اصلی کمپینهای سیاسی. همانطوریکه حتما میدانید اتحادیه آکسفورد قدیمیترین و معروفترین انجمن دانشگاهی دنیا است. طی ۱۸۳ سال گذشته ما بعنوان برجسته ترین پلتفرم خارج از وست مینستر مشهور هستیم و قدیمی ترین سالن را نیز برای همین کار داریم. ما همه نوع شخصیت بین المللی را جلب کرده ایم، از نیکسون

و مادر تروزا، رونالد ریگان، مایکل جکسون و کلینت استود. تنها امسال پرویز مشرف پاکستان و نفر دوم سازمان ملل مارک لوج براون، و هنر پیشه پی یرس برونسان را اینجا داشتیم. خوشحال میشویم اگر شما حاضر باشید در این مناظره شرکت کنید.

با احترام آلکس جوست
رئیس اتحادیه آکسفورد

مریم نمازی عزیز

با خوشحالی زیاد مینویسم که شما اطلاع دهم که کمیته رهبری سازمان رسیونالیست انترناسیونال تصمیم دارد شما را بعنوان عضو افتخاری بشناسد.

این سازمان میدانی است برای راسیونالیستها و نظرهایی که در سطح جهان مطرحند و هدفش اینست که دیدگاه راسیونالیستی را در جاهاییکه افکار عمومی حولش ساخته شده است ارائه دهد تا صدایش آنجاییکه تصمیماتی گرفته میشود که آینده انسان را شکل میدهد با دلیل و منطق شنیده شود. این سازمان در سال ۱۹۹۵ در کنفرانس بین المللی در دهلی نو هندوستان بوجود آمد و در این مدت در سراسر جهان پا گرفته و به هزاران سازمان و افراد دسترسی دارد از طریق بولتن‌هایی بزبان انگلیسی و آلمانی، فرانسوی، فنلاندی و اسپانیولی. در دو کنفرانس اخیر متفکرین سرشناسی در رابطه با اهداف ما برای قرن جدید بحث کرده اند. افرادی که بعنوان عضو افتخاری

انتخاب میشوند شخصیت‌های سرشناس در سطح جهان هستند که به اهداف راسیونالیستی و منطقی متعهدند.

شما بخاطر سهم برجسته تان در پیشبرد سکولاریسم و آزادی بیان برای این سمت انتخاب شده اید. امیدوارم که دعوت ما را بپذیرید. باعث افتخار ما خواهد بود اگر دعوت ما را بپذیرید.

ساتال اداماروکو
رئیس سازمان راسیونالیست
انترناسیونال

دوست داشتم

همسایه ات بودم

مریم عزیز

مرسی برای اینکه اینقدر خانم عزیز هستی. کاش که نزدیکتر زندگی میکردم. دوست داشتم که دوستت و همسایه ات بودم. کار عالی ات را ادامه بده و اگر کسی میتوانست از طریق اینترنت دوستش داشته باشند عشق من حتما برای توست. بمن امید و قدرت میدهی وقتی که حقیقت را میگوئی.

مینا

داری کار فوق العاده

انجام میدهی

میخواهم به تو برای کارها و تلاشهایت تبریک بگویم. داری کار فوق العاده انجام میدی و من خیلی تحت تاثیر قرار گرفته ام بخاطر شجاعت به مصاف طلبیدن و بحث و زیر سؤال بردن رهبران مذهبی سیاسی که دارند اهداف ضد زن را پیش

دسترس داشته باشم؟

با احترام، مونا

مونای گرامی

آدرس ای میل شما به لیست ای میل انترناسیونال اضافه شد و شما از این به بعد انترناسیونال را در ای میل خودتان دریافت خواهید کرد. در عین حال میتوانید به نشریه انترناسیونال در سایت زیر دسترسی پیدا کنید.

www.antemasional.com

انترناسیونال

محسن جان سلام خسته نباشی

چیزی که برایم بسیار جالب و روشنگرانه بود در مقاله هات، این ترکیبی بود که بین حقوق فرد و عقاید بوجود آمده است. من هیچوقت اینظوری فکر نکرده بودم. شهامت بحث با شارلاتان های امروز را آسانتر کرده اید.

دوست داشتم آنرا برای نشریه فرانسوی ترجمه کنم، آیا اجازه میدی؟

مرسی برای این روشنگریها

آرماند

فرانسه

تغییرات زیادی

در دنیا بوجود میاری

مریم نمازی عزیز

هرچی که در رابطه با تو در وب سایت پیدا میشه گیراست. مرسی برای اینکه اینقدر انسان مصمم و شجاعی هستی. تو یک شخصی هستی که داری تغییرات زیادی در دنیا بوجود میاری.

ما، من و همسرم کارولین داریم در رابطه با کمپینی برای انسانی کردن خاورمیانه فکر میکنیم. فکر میکنم شاید این کمپین برات جالب باشد و حتی از ما حمایت کنی. من متولد اسرائیل هستم، پیشرو و همسرم یک فعال سیاه آمریکایی است که خیلی به فمینیسم و حقوق بشر و موسیقی علاقه داره. (قبلا خواننده اپرا بوده و الان گسپل میخونه).

منتظر پاسخت هستم

کارولین و یایر نی

میرند. من بلاگت را میخوانم و برنامه هایی که در آنها شرکت میکنی تماشا میکنم. من یک مدافع سرسخت کارهایت هستم. اگر کاری است که از دستم بر بیاد لطفا و حتما باهام تماس بگیر.

کارهای عالی ات را ادامه بده

آلینا از فلوریدای آمریکا

شما واقعا فرشته اید

سلام خانم مریم نمازی

من مطمئنم که خیلی مشغولید پس بگذار اول تشکر کنم از اینکه وقت میگذارید و نامه هام را میخوانید. من یک دانشجوی ۲۳ ساله هستم و فقط میخوام بگویم مرسی برای همه تلاشهایت. شما واقعا فرشته اید و من فکر میکنم کارتان الهام بخش است.

من دارم همه مقاله های شما را میخوانم و آنا بمن قوت و خوشحالی میدهند و مهم تر از هرچیز پاسخ به سئوالهای متعددی که دارم. اگر میتونم کمکی بکنم حتما باهام تماس بگیر.

خداحافظ

آناهیتا

من هیچوقت اینظوری

فکر نکرده بودم

مریم عزیز

مطالبت در ایرانیان در رابطه با نسبت فرهنگ عالی بود. من همیشه فکر میکردم که دیدگاه نسبی از پست مدرنیسم نشات میگیرد برای حقانیت بخشیدن به عقاید ارتجاعی. تو قبول داری؟ اما

من پانصد شماره از این نشریه (فصلنامه رها) را چاپ کرده ام. در حد امکان در نشریه انترناسیونال یک آگهی در این رابطه چاپ کنید.

مخلص

شبه صلواتی

شبه عزیز

خسته نباشید. خواهش میکنم عکسی از جلد فصلنامه رها همراه با فهرست را به آدرس انترناسیونال بفرستد که در شماره بعد چاپ شود

موفق باشید

محسن

نر ترجمه و تایپ نامه های این شماره، نازنین برومند، سعید پرتو و ناصر احمدی همکاری کرده اند.

با تشکر از همکاریتان

انترناسیونال

**برای دریافت
انترناسیونال آدرس ای
میلتان را در لیست ای
میل انترناسیونال قرار
دهید**

اطلاعه تصحیح شد.

انترناسیونال

سلام

اسم من مونا اصغری فرد است. دوست دارم نسخه ای از انترناسیونال را دریافت کنم. لطفا به من بگویید چگونه میتوانم انترناسیونال را دریافت کنم. آیا میتوانم در سایت اینترنتی به نشریه انترناسیونال

با سلام

لطفا ساعت تکرار پخش تلویزیون انترناسیونال به وقت ایران را به جای هر شب، به هر روز تغییر دهید. در سایتها و نشریه انترناسیونال نوشته شده هر شب که اشتباه است.

با تشکر

داوود رفاهی

داوود گرامی

با تشکر از تذکر بموقعیت. این

کمک مالی به حزب

بهمن خانی و فرشته مرادی ۱۰۰۰ یورو

جنگ تروریستها، جنبش سرنگونی و حزب

نوشته حاضر بخشی از گزارش حمید تقوایی به پلنوم ۲۵ است که اولین بار در انترناسیونال شماره ۱۳۷، ۲۸ آوریل ۲۰۰۶، بچاپ رسید. بعلمت مربوط بودن این بحث به شرایط امروز تجدید چاپ آنرا مفید دیدیم. انترناسیونال

آنچه سه موضوع دستور پلنوم، یعنی بیانیه علیه جنگ تروریستها، قطعنامه کارگری و طرح کمپین مالی را به هم مربوط میکند وجود يك پدیده عینی و موثرسیاسی در ایرن و جهان هست که حزب کمونیست کارگری ایران نامیده میشود. این پلنوم در هر سه این موضوعات در واقع درباره يك چیز صحبت میکند و آن حزب در متن مبارزه در ایران و جهان است. در متن این مبارزه کمیته مرکزی حزب گردآمده تا بگوید در مقابل جنگ تروریستها چه میکند، چه ابزارهایی میخواهد و برای تامین این ابزارها چه باید کرد و بخصوص پلنوم باید روشن کند که در مقابل با جنگ تروریستها به جنبش سرنگونی و مبارزه علیه جمهوری اسلامی چه جایگاهی میدهد و در این رابطه چه وظایف ویژه ای در مقابل حزب قرار میدهد.

کشمکش بر سر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی برآمد مشخصی از جنگ دو قطب تروریستی جهان ما است. این برای ما پدیده تازه ای نیست. استراتژی ما در این مورد، فراخواندن و بیدار کردن جهان متمدن در برابر تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی، مدتهاست که روشن است و اعلام شده است. همانطور که دیروز هم در کنگره منصور حکمت هم گفتیم اگر قرار بود امروز انترناسیونال کمونیستی تشکیل بشود استراتژیستش را میتوانست به بحث دنیا پس از یازده سپتامبر منصور حکمت استوار کند. از این نظر حزب ما خط و سیاست کاملا روشنی دارد. من در اینجا میخواهم در مورد جوهر طبقاتی این موضع کمی صحبت کنم و بعد به وظایف مشخص امروز بپردازم.

با شروع کشمکش بین آمریکا و جمهوری اسلامی و تهدید حمله نظامی همه گفتند این داستان

آشنائی است. این سناریو را در عراق دیده ایم و در افغانستان دیده ایم و حالا میخواهند در ایران همان تجربه را تکرار کنند. همان نیروها و همان صفتندی دوباره ایجاد شده و همان سناریو قرار است تکرار شود.

ولی نکته مهم اینست که این بار يك چیز کاملا فرق میکند. جهان اگر متوجه نیست باید متوجه اش بکنیم. يك چیز اینجا فرق میکند و آن هم وجود حزب ماست. حزب ما نه بعنوان يك سازمان متشکل از تعدادی اعضا و کادرها بلکه حزب ما بعنوان يك پدیده اجتماعی و در متن مبارزه طبقاتی هم در ایران و هم در جهان. و این فاکتوری است که همه چیز را تغییر میدهد. همه چیز را. این سناریو دیگر سناریو گذشته نیست. بازیگران دیگر فقط دو بازیکن همیشگی، دو قطب تروریستی نیستند. جهان متمدن دیگر در اپوزیسیون و گروه فشار نیست. جهان متمدن دیگر خارج از جبهه جنگ، بیرون آن و یا پشت جبهه و عاملی که از خارج کمک کند پرچی جایی بالا برود نیست. این بار در بطن این ماجرا و در خط اول آتش جهان متمدن حضور دارد. چرا اینطور است؟ برای اینکه جامعه ایران دارد مورد حمله قرار میگردد و ایران یعنی جامعه ای که حکومت اسلامی، یعنی مدل ارتجاعی حکومتها در کشورهای اسلامزده که در این دوره دارند در خاورمیانه بسط اش میدهند، بیست و هفت سال است آنجا حاکم است و مردم ایران مدتهاست با این حکومت در حال مبارزه اند. در ایران يك جنبش اعتراضی وسیع علیه جمهوری اسلامی در حال جریان است و حزبی در این جنبش دخیل و فعال است که کارگران جهان در برابر نظم نوین جهانی را نمایندگی میکند. جبهه جنگ این بار در حاشیه نبردگاه اصلی بورژوازی و کارگران جهان قرار ندارد، در بطن آن است، این دو بر هم منطبق و یکی شده اند. ما اینجا نیستیم و جنگ آنجا. که از دور فراخوان بدهیم مردم برخیزید و مقاومت کنید، ما هم کمکتان میکنیم. خود تپه ما را دارند توپ باران میکنند. مانند دوره ای نیست که ما با حمله به عراق و یا

افغانستان مواجه بودیم. این بار توپ خورده است وسط جبهه ای که مدتهاست ما در آن بعنوان پرچمدار جهان متمدن با اردوی سپاه ارتجاع جهانی در حال جنگیم. یعنی صحنه مبارزه طبقاتی در ایران. من در پلنوم بیست و دو سعی کردم توضیح بدهم و نشان بدهم که چطور تحولات سیاسی جامعه ایران تبلور رویارویی طبقات و شکل مشخص مبارزه طبقاتی در عصر ماست. و چطور بسیاری از مسائل جهانی در ایران تعیین تکلیف میشود. (رجوع کنید به مقاله "دوره پسا جنگ سرد و پولاریزاسیون طبقاتی در ایران"، انترناسیونال شماره ۸۱ ضمیمه)

اگر ما بتوانیم مساله ایران را به نفع طبقه کارگر جهانی و به نفع جهان متمدن حل کنیم این نیروهای سپاه کمپ ارتجاع جهانی از دولتهای غربی تا اسلام سیاسی و تروریسم و غیره را یا کاملا به شکست کشانده ایم و یا وسیعا به عقب رانده ایم و کاملا معادله را به نفع مردم دنیا عوض کرده ایم. این نکته ای است که منصور حکمت نیز در بحث آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود بر آن تاکید کرده است. منصور حکمت در سمینار خود نشان داد که پیروزی ما در ایران تأثیرات بسیار تعیین کننده ای نه فقط در خاورمیانه بلکه بر کل جهان خواهد داشت. و هر چه از آن دوره ای که منصور حکمت این بحث را مطرح کرد دورتر میشویم این تأثیر اساسی تر و مهم تر میشود. چون هم ارتجاع اسلام سیاسی دست و بال خودش را بیشتر باز کرده و مثل طاعون گسترش پیدا میکند و هم از آنطرف سیاستهای میلناریستی و قلدلرمنشی سیاسی و نظامی آمریکا حدت پیدا کرده و آمریکا توانسته يك جنگ وحشیانه را در عراق سازمان بدهد و امروز هم مشغول تدارک جنگ دیگری است. این دو نیرو در اردوگاه ارتجاع به پیش آمده اند، اما از سوی دیگر در جبهه مقابل، در کمپ انقلاب و در کمپ کارگران جهان، که يك جبهه اصلی اش ایران است، میبینیم جنبشی شکل گرفته که هر روز چپ تر و رادیکال تر میشود. و با پرچم، با سرودها، با خواستها و با

شعارهای چپ در عرصه سیاست ایران عرض اندام میکند.

بنا براین امروز موقعیت جامعه ایران در سیاست جهانی از دو نقطه نظر تعیین کننده است. يك جنبه، موقعیت سوق الجیشی ایران است. يك جامعه هفتاد میلیونی کنار خلیج فارس در گلوگاه نفتی دنیا با يك موقعیت تعیین کننده بین اروپا و بقیه آسیا. هر تغییر و تحول سیاسی در چنین جامعه ای تأثیرات وسیع و دراز مدتی در منطقه و در سطح جهانی بدنبال خواهد داشت. و نکته دیگر واقعیت مبارزه طبقاتی در ایران است. جامعه ایران تنها جامعه ای است که در آن شهروند به معنی کسی که خواهان حقوق مدنی خود است يك اصل پذیرفته شده و يك بدیهیت سیاسی در کوچه و خیابان است. این دیگر به نظر مهم نمی آید و معمولا این را بحساب جنبش دوحردادی و یا نافرمانی مدنی میگذارند ولی مساله بر عکس است. اگر سلطنت طلبها به نافرمانی مدنی متوسل میشوند به این خاطر است که مردم بخودشان بعنوان شهروند نگاه میکنند.

در مقایسه با خیلی از جوامع دیگر که مردم ممکن است خود را متعلق به ملیتها و اقوام و اقلیتها و مهاجرین و اهل فلان مذهب و نژاد و یا فلان ملیت تحت ستم و یا در حال گرفتن حق ملی و غیره تلقی کنند در ایران مردم علی العموم خود را شهروند میدانند. و حتی آنجایی که نیروهای ناسیونالیست عرب و یا ترك و یا کرد سعی میکنند برای مردم هویت ملی و قومی بتراشد میبینید مردم در شورشها و اعتراضات شهریشان آنها را پس میزنند. کار این نیروهای ملی - قومی نگرفته است. اخیرا تحلیلی از یکی از استراتژیستهای آمریکائی در اینترنت خواندم که میگفت شرایط ایران برای اینکه اقلیتهای ملی بتوانند نقش عمده ای بازی کنند آماده نیست. یعنی به زبان آدمیزاد نمیتوانیم اینها را بجان یکدیگر بیاندازیم و مردم براحتی ملعبه دست آنها نمیشوند. نمیگویم این اتوماتیک است و مردم خودبخود مصونیت دارند ولی نکته اینست که وقتی بلوک شرق منفجر شد در جمهوریهای بازمانده بلوک شرق روی نیروهای ملی حساب کردند و آنها را بمیدان کشیدند، در یوکسلاوی در دل

اروپا این کار را کردند و در آفریقا که نسل کشی های قومی بره انداختند و در عراق و افغانستان نیز ملات سیاستهایشان همین نیروهای مذهبی - قومی - ملی است. امروز اما همان سیاستگذاران به ایران نگاه میکنند و میگویند در این جا شرایط آماده نیست. چرا این شرایط آماده نیست؟ بخاطر اینکه آن نیروی سیاسی متکی بر ناسیونالیسم و مذهب و شرفزدگی و عقب ماندگی مدتهاست در پوزیسیون و در قدرت است و در نتیجه مدرنیسم و مدنیت و بر این زمین چپ و ایده های آزادیخواهانه و سوسیالیستی، از جمله و بخصوص به یمن حضور حزب ما، در جامعه قوی است، مقابل حکومت قرار گرفته و در اپوزیسیون دست بالا را پیدا کرده است. این همان شکاف و تناقض اساسی است که بین حکومت فوق ارتجاعی اسلامی و جامعه آزادیخواه و مدرن ایران وجود دارد. منصور حکمت در "آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است" به این تناقض در رابطه با موقعیت زنان در جامعه اشاره میکند اما این شکاف عمیق بین مدرنیسم و مدنیت جامعه و ارتجاع و عقب ماندگی حکومت در همه سطوح قابل مشاهده است.

این جامعه را میخواهند بگویند. در این جامعه قرار است جنگی رخ بدهد، قرار است به آن حمله نظامی بشود، قرار است تحریم اقتصادی بشود. در این شرایط باید همچنان بر حرف همیشگی و پایه ای مان تاکید کنیم که جهان متمدن باید در برابر دو قطب تروریسم جهانی بیدار بیاید ولی باید توجه داشته باشیم که این جهان متمدن خیلی متعین تر و مشخص تر از دوره های قبلی است. بخاطر اینکه این بار جنگ در همان جبهه ای اتفاق میافتد که يك جنبش وسیع اعتراضی با گرایش قوی به شعارها و مطالبات و سیاستهای چپ و يك حزب ذنبفوذ که نماینده این شعارها و سیاستها است در آن حضور دارد. این حزب پرچمدار و سخنگو و معرف جهان متمدن است. نیروی است که از همان مقطع جنگ اول خلیج طلوع خونین نظم نوین جهانی را اعلام کرده و در دنیای بعد از یازده سپتامبر پرچم جهان متمدن را

از صفحه ۹ جنگ تروریستها ...

در برابرد و قطب تروریستی بالا برده است. این حزب در صحنه سیاسی ایران حضور برجسته ای دارد و خود مدعی تصرف قدرت سیاسی است. این حزب در تحولات جاری جامعه دخالتگر و تاثیر گذار است. ما هیچوقت عامل مشاهده گر و صرفا مفسر نبوده ایم که از دور مشاهده کنیم و فقط آگاهگری کنیم. در دوره های قبل هم سیاست ما این نبود. ولی این بار فرق اساسی اینجاست که در همان جغرافیای سیاسی که میخواستیم به قدرت سیاسی برسیم و میخواستیم حاکم شویم و سوسیالیسم را برقرار کنیم، در این جامعه دو قطب تروریستی، دو نیروی سیاه در کمپ بورژوازی جهانی، به جنگ یکدیگر میروند. این جنگ مساله قدرت سیاسی در ایران را بیش از پیش عمده میکند و به یک مساله جهانی تبدیل میکند. اینجا جایی است که ما، حزب کمونیست کارگری ایران، میخواستیم جمهوری سوسیالیستی را برقرار کند. این دیگر عراق نیست. افغانستان هم نیست.

اجازه بدهید از یک زاویه دیگر به مساله نگاه کنیم. اگر در دوره ای که به افغانستان حمله کردند و یا به عراق حمله کردند جنبش سرنگونی طلبانه وسیعی در ابعاد ایران در آن جوامع وجود داشت و حزبی مثل حزب ما در آنجا فعال بود و در مقطع حمله رو به دنیا میبرد و میگفت به ما کمک کنید تا حکومت را بیاندازیم سیاست ما حتما کمک به آن نیرو میبود. کما اینکه در حمله دوم به عراق گر چه جنبش اعتراضی که با وضعیت امروز ایران قابل مقایسه باشد در جامعه عراق وجود نداشت ولی حزب کمونیست کارگری عراق وجود داشت و ما فعالانه از این حزب حمایت کردیم. مسلمان در مورد افغانستان هم اگر چنین حزبی وجود میداشت ما اعلام میکردیم که با تمام قوا به این حزب کمک خواهیم کرد، و از همه میخواستیم چنین کنند، تا حکومت طالبان نه بوسیله بمب افکنهای آمریکائی بلکه بدست مردم افغانستان و با قدرت حزب و نیروی چپ جامعه سرنگون بشود. و یا در مورد عراق اگر یک جنبش سرنگونی طلبانه در ابعاد اجتماعی

وجود میداشت با تمام قوا کمک میکردیم تا صدام بقدرت کارگران بغداد و بصره و سلیمانیه و کرکوک سرنگون شود و آمریکا و بورژوازی جهانی نتواند راه حلهای خودش را تحمیل کند.

در مورد ایران هم مساله عینا همین است. در این مورد یک جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه قوی اجتماعی و حزب نماینده و سخنگوی این جنبش وجود دارد و این وظیفه ماست که از دنیا بخواهیم از جنبش انقلابی در ایران و حزب ما حمایت کند. و طبیعی است از هر نیرو و حزب و شخصیت مترقی و آزادیخواه و چپ انتظار داشته باشیم به این فراخوان ما پاسخ مثبت بدهد. این بار مساله سرنگونی به تاکتیک و سیاست ما در مقابله با دو قطب ارتجاع تنیده شده است. مساله صرفا این نیست که چون ما همیشه یک حزب سرنگونی طلب بوده ایم حالا در دل این کشمکش و بحران بین قطبهای تروریستی و در کنار مقابله با این وضعیت سیاست سرنگونی جمهوری اسلامی را هم دنبال میکنیم. بحث ما این نیست. واقعیت اینست که این بار مساله سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم در بطن این کشاکش قرار دارد و نمیشود این بار جور دیگری به جنگ دو قطب تروریستی رفت.

حزب را در موقعیت واقعی ای که هست یعنی یک نیروی مدعی قدرت سیاسی در یک جغرافیای سیاسی که دارد تبدیل میشود به کانون تخاصم طبقاتی در سطح دنیا و حل و فصل مسائل جهانی نظم نوین سرمایه در دنیای بعد از جنگ سرد، در نظر بگیرید. مسائلی مثل تروریسم اسلامی، سلاح اتمی، بود و نبود جمهوری اسلامی و آلترناتیوهای بورژوازی جهانی برای قلدن منشی نظامی و سیاسی و سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و غیره روی میز قرار میگیرند و همه توجه ها را بخود جلب میکنند.

ایران و به این اعتبار حزب ما زیر نور افکن قرار میگیرد و انتظار جهانی را متوجه خود میکنند. در مورد سیاست و موضع حزب در قبال این اوضاع از ما میپرسند و

اگر ما صرفا به این بسنده کنیم که جهان متمدن باید در برابر دو قطب تروریستی بایستد حق مطلب را ادا نکرده ایم. در مود عراق جواب ما این بود و کافی بود ولی وقتی دارد به ایران حمله میشود از حزب کمونیست کارگری ایران انتظار دارند حرف و موضع و سیاست مشخص تری داشته باشد. از ما خواهند پرسید راه حل شما برای مساله اتمی چیست؟ در مورد یوگسلاوی کسی انتظار نداشت ما راه حل مشخصی برای مساله صرب و کروات داشته باشیم چون نیروی مستقیما دخیل در یوگسلاوی نبودیم و اگر هم راه حل کنکرتی میداشتیم اهمیت عملی ای نداشت. در آن مورد کافی بود بگوئیم کارگران بوسنیا و صرب و کروات باید متحد شوند و مساله را حل کنند. یعنی یک اعلام موضع اصولی با اهمیت اساسا تبلیغی و روشنگرانه. خبرنگار مفروض ما هم این موضع را بعنوان موضع یک کمونیست انترناسیونالیست ایرانی میفهمید و قبول میکرد. ولی کمونیست کارگری صربستان دیگر نمیتوانست به همین بسنده کند. نمیتوانست فقط بگوید جنگ قومی باید تمام بشود. می پرسیدند شما مشخصا بعنوان یک نیروی مستقیما درگیر چه سیاست مشخصی برای پایان دادن به جنگ قومی دارید. و اگر این را روشن نکنید یا شما را یک چپ اپوزیسیون بدور از بستر اصلی تحولات جامعه، حد اکثر یک حزب مبلغ، و یا بقول منصور حکمت یک گروه فشار ارزیابی میکنند، و یا یک فرقه اصولگرای بی عمل و از کنارتان میگردند.

بنا بر این امروز وقتی در مقابل حزب ما میکروفرن را میگیرند و میگویند دارد جنگ میشود و شما چه میکنید؟ وقتی میپرسند آیا ایران عراق میشود؟ جواب ما اینست: ما نمیگذاریم. و این ادعا و موضع تبلیغی نیست. میتوانیم این کار را بکنیم. باید بعنوان یک حزب مدعی قدرت سیاسی و از موضع دولت آتی به مساله برخورد کرد. می پرسند آمریکا چه باید بکند؟ دو جور میشود جواب داد. یکی اینکه دولت آمریکا قدرت امپریالیستی است و یا راس نظم نوین جهانی است، ارتجاع است و همه تبلیغاتش بهانه است و رهنمود عملی ما هم اینست که کارگران آمریکا باید

سرنگون اش کنند. این جوابی است که نشان میدهد گوینده هنوز در قسمت گود استخر سیاست نیست و دارد پایش را توی آب میزند. دارد صرفا موضع میگیرد. جواب دوم اینست که اگر دولت آمریکا و کلا دول غربی راست میگویند و در ادعاهای ضد اتمی و ضد تروریستی شان صادق هستند روابطشان را با جمهوری اسلامی قطع کنند، مردم ایران برسمیت نشناسند، سفارتخانه هایش را ببندند و از سازمانهای بین المللی اخراجش کنند. ما اعلام میکنیم اگر رژیم اسلامی مانند آفریقای جنوبی دوره آپارتاید، از جامعه جهانی طرد شود مردم ایران در مدت کوتاهی حکومت را سرنگون خواهند کرد. ما اعلام میکنیم راه حل واقعی و انسانی مساله اتمی، تروریسم اسلامی، حقوق بشر در ایران و یا هر دلیل و بهانه دیگری که برای حمله به ایران تراشیده اند در دست ما است و نه در دست آمریکا و یا شورای امنیت. تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی این مسائل را حل نمیکند. آنها را به مراتب شدیدتر و وخیم تر میکند. اگر دولتهای غرب این راه حل را نمیپذیرند بخاطر اینست که برای این دولتها مساله اتمی و تروریسم و حقوق بشر و غیره همه بهانه است. اینها اهداف و منافع طبقه حاکمه و بورژوازی غرب را دنبال میکنند و بدنال کسب هژمونی و تثبیت قدرت خود در خاورمیانه و در کل جهان هستند. اما مردم دنیا، نیروهای انساندوست و آزادیخواه دنیا، حرف و موضع ما را دارند، حرف ما را میفهمند و میتوانند بدور ما جمع شوند. ما روی این نیرو حساب میکنیم. اگر نیروی واقعا مخالف سلاحهای اتمی و مخالف اسلام سیاسی و طرفدار آزادی و حقوق انسانها است باید ما را برسمیت بشناسد. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، ما نماینده مردم ایرانیم. ما کارگران ایران و زنان ایران و جامعه ایران و مبارزات مردم ایران را نماینده میکنیم. جامعه ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهد و دخالت نظامی و غیر نظامی غرب را هم نمیخواهد. مردم ایران خواهان جامعه ای انسانی و مدرن و سکولار و آزاد و برابر هستند، مخالف

سلاحهای هسته ای در دست هر دولت و کشوری هستند، جامعه ایران علیه اسلام سیاسی و خواهان جثائی کامل مذهب از دولت است و اگر حزب ما بقدرت برسد همه این خواستهای مردم متحقق خواهد شد. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم چنان ضربه ای به اسلام سیاسی در منطقه و در سراسر جهان خواهد زد که دیگر سر بلند نخواهد کرد، اما حمله آمریکا بر عکس اسلام سیاسی و تروریسم را همه جا تقویت خواهد کرد.

اینها رئوس سیاست ما در قبال این دوره جنگ تروریستهاست. باید طوری به مساله برخورد کنیم که گوئی در سازمان ملل از مردم ایران دفاع میکنیم. از موضعی تعرضی و قدرتمند و از بالا. و نه از موضع گروه فشار و نیرویی که صرفا علیه نظم نوین جهانی و دو قطب تروریستی اعلام موضع و تبلیغ میکنند. اینجا دیگر جهان متمدنی که باید به میدان بیاید یک آرمان و شعار عمومی نیست، خود حزب ما است که در میدان است. دولتهای غرب مدعی نمایندگی تمدن هستند، باید بعنوان نمایندگان واقعی جهان متمدن جواشان را بدهیم. جهان متمدن دیگر شخص ثالث نیست، خود شما در کمیته مرکزی حزب هستید. و باید به این عنوان در برابر این کشمکش تروریستی بایستید.

رققا! طوفانی شروع میشود. و ما بعنوان یک نیروی موثر و فعال در دل این طوفانیم. و میخواستیم به عنوان نماینده و عامل فعال جهان متمدن از این بحران رد بشویم. سوال اینست موفقیت را با چه می سنجم؟ کی میتوان گفت موفق شده ایم؟ پیروزی را با چه اندازه میگیریم؟ به نظر من دو معیار داریم. بشریت در این مجادله وقتی پیروز شده است که اولاً جمهوری اسلامی بقدرت مبارزه مردم سرنگون شده باشد و یا بسبب سرنگونی نزدیک شده باشد، یعنی مشخصا به موقعیت منزوی و طرد شده ای نظیر رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در مقطع انقلاب ضد راسیستی در آن کشور دچار شده باشد؛ و ثانياً دولت آمریکا نظیر دوره بعد از جنگ ویتنام در افکار عمومی مردم خودش و مردم جهان افشا و منفور شده باشد به نحوی که

از صفحه ۱۰ جنگ تروریستها ...

غرور من و هراس آنها

یاشار سهندی

تمام دستگاه امنیتی مخوفشان را به هراس اندازد. دستگاهی که قرار بود توده مردم را به هراس اندازد به روزی افتاده که حتی جرات ندارد با وجود اینکه همه گونه امکانات دارد او را در پیش چشم همه دستگیر کند از وحشت عکس العمل مردم او را با فریب میدزدند. این دستگاه امنیتی میخواهد من کارگر را در گوشه دیگر بترساند که روز اول مه را فراموش کنم. خود را به عنوان يك انسان به حساب نیاورم. این دستگاه هراس انگیز(!؟) هراسان میخواهد من کارگر را به وحشت اندازد که اگر دست از پا خطا کنم بلاي به سرم خواهند آورد که آن سوی آن ناپیداست. این چیز جدیدی نیست این رژیم نافش را با جنایت بریدند ، اگر توانسته بود در این 28 سال با این دستگاه کشتار که ساخته مردم را خاموش سازد اکنون بدین گونه مثل بزذلان محمود صالحی را نمی دزدید. این نشان هراس رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی است. و در روز اول مه جواب ما کارگران را این جلدان دریافت خواهند کرد.

غرور من بدین خاطر است که اگر يك کارگر میتواند همچین رژیم وحشی را بترساند وای به روزی که هزاران و ملیونها کارگر متحد در خیابان باشند و پرچم سرخشان را برافرازند. آژمان است که قدرت ما کارگران را خواهند فهمید.*

محمود صالحی کارگر خباز و فعال کارگری از سوی مزدوران سرمایه ربه و به زندان منتقل شده است. از سوی شدیداً احساس نگرانی میکنم که با وجود بیماریهای که محمود صالحی با آن مبتلا است سلامتی اش کاملاً به خطر افتاده؛ انسانی که تا آمدن خودش را بشناسد پای تنور داغ نانوايي فرسوده شده است و هنوز عمری از او نگذشته به بیماری های سخت مبتلا شده است. جانیان سرمایه او را ربودند و تحت فشار گذاشتند و او را از هر گونه امکانات درمانی محروم کردند، چون کارگری سر به زبری نبوده و تلاش نموده که کارگر، انسانی که زنده گی را می آفریند، به آنچه شایسته يك انسان زحمتکش است برسد و این بر مزدوران سرمایه گران آمده است. او را ربودند تا او شاید کوتاه آید و تن به استثمار دهد و زبان به اعتراض نگشاید. زهی خیال باطل.

از سوی احساس غرور میکنم. رژیمی که ظاهراً با شاخ غول درافتاده و غولهای نظامی سرمایه را به مصاف میطلبد و میخواهد با گوشت دم توپ کردن ما مردم به جنگ بزرگتره‌ایش برود در مقابل يك کارگر دچار عجز شده و او را با

رئیس جمهورش نتواند سرش را بلند کند و مردم آمریکا مانند دوره جنگ ویتنام بقول خودشان در اتاق نشیمنها دولتشان را به محاکمه کشیده باشند. این معنای مشخص پیروزی مردم متمدن جهان در این کشمکش است. ما باید کاری بکنیم که کل جبهه ارتجاع ، دولت‌های غربی تحت پرچم آمریکا و اسلام سیاسی به رهبری جمهوری اسلامی، به شکست کشیده شود. و در این دور مشخص این شکست میتواند و باید به شکل سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم و یافریقای جنویزه شدن این حکومت و همچنین رسوائی دولت آمریکا و متحدینش و سیاست‌های میلیتاریستی آنها خود را نشان بدهد. این هدف مشخص ماست و تمام توانمان را باید بکار بگیریم تا این هدف محقق شود.

در این نبرد مردم آزاده دنیا در کنار ما هستند. ما باید به جهانیان اعلام کنیم که اگر ضد اتم هستتید، اگر ضد تروریسم اسلامی هستتید، اگر ضد لشکر کشی های آمریکا هستتید، اگر ضد نفوذ مذهب در خود جوامع غربی هستتید از مبارزات مردم ایران دفاع کنید. این انقلاب شماست. این مبارزه شما هم هست. ما خیریه سیاسی نمیخواهیم. نمیگوئیم باید دلتان برای مردم ایران بسوزد و از سر نوع دوستی از آنها حمایت کنید. این حرف ما نیست. اینجا هم باید از موضع قدرت و تعرضی صحبت کنیم. ما ادعا میکنیم راه حل مردم جهان در دست ماست. حرف ما با مردم جهان اینست: مگر این نیست که دولت‌های غربی به بهانه مبارزه با تروریسم اسلامی آزادیها و حقوق مدنی شما را محدود کرده اند و زیر پا گذاشته اند؟ مگر این نیست که در لندن و نیویورک و مادرید و بالی و بسلان طعمه بمبهای اسلامی میشود؟ و در بغداد و فلوجه و ناصریه و فلسطین و کابل علاوه بر این بمبهای اسلامی بمباران هوایی و رگبار مسلسل‌های غربی نیز از شما قربانی میگردد؟ مگر نمیبیند همه جا در دل اروپا مسجد هوا شده است و مدارس اسلامی به راه افتاده است؟ و اگر ما جلوی دولتهایان را نمی گرفتیم الان دادگاههای اسلامی

هم به راه انداخته بودند؟ مگر نمی بینید مذهب در جامعه و آموزش و پرورش و سیاست در دل اروپا و آمریکا رسوخ کرده است و هر روز دامنه نفوذ بیشتری پیدا میکند. مگر قتل‌های ناموسی در اسکانندیناوی و آلمان بیداد نمیکند و دولتهایان با اغماض از کنار آن نمیگذرند؟

انقلاب ایران يك گام تعیین کننده و اساسی برای حل همه این مسائل مبتلا به جهان امروزست. ایران بطور عینی به گره گاه حل و فصل مسائلی تبدیل شده که زندگی هر روزه مردم در سراسر جهان را در چنگال خود میفشارد. و بهمین دلیل مردم جهان با حمایت از مبارزات مردم ایران در واقع به امر خود کمک میکنند و در راه تحقق بیشتر حقوق و آزادیهای مدنی و سکولاریسم و مدنیت و انسانیت در جوامع خود قدم بر میدارند.

اسلام سیاسی پدیده ای بین المللی است. در ایران اسلام سیاسی و نیروهای تروریسم دولتی غرب در یکسو و کمونیسم کارگری در سوی دیگر صفبندی کرده اند. و ازینرو مبارزه طبقاتی در ایران به حکم شرایط عینی ابعاد جهانی است. انقلاب ایران امری جهانی است بخاطر اینکه مستقیماً در سیاستها و استراتژی های قطبهای تصمیم گیرنده سرمایه جهانی تاثیر میگذازد. بر زندگی مردم دنیا نیز مستقیماً تاثیر خواهد داشت. خیلی مشخص و مستقیم و روشن پیروزی در ایران یعنی امنیت بیشتر برای مردم لندن و نیویورک، یعنی خواب راحت تر مردم در فلسطین و در اسرائیل، یعنی کوتاه شدن دست اسلام سیاسی از لبنان و سوریه. در شمال آفریقا و در قلب اروپا. پیروزی انقلاب در ایران بطور ملموس و زنده به همه مردم دنیا مربوط میشود. ما باید این حقیقت را به همه نشان بدهیم. این بار استراتژی ما برای تصرف قدرت سیاسی و استراتژی ما برای پیروزی جهان متمدن در مقابل قطبهای تروریستی به حکم شرایط عینی به هم تنیده شده است. و این دو را اگر با هم پیش نبریم هیچیک را به پیش نبرده ایم.*

داشته است، کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی و بی آبرو کردن آن در خارج کشور بوده است. فعالیت‌های بی شماری انجام داده است که نام بردن آن از حوصله این نوشته فراتر می‌رود. برای مثال یکی از درخشانترین و سرنوشت سازترین این فعالیت ها کنفرانس برلین در سال ۲۰۰۰ بود که دست جریان دوم خرداد را رو کرد و سران آن را سر افکنده به خانه شان فرستاد.

اسلام سیاسی اما همچنان نه تنها در منطقه بلکه سالهای سال در کشورهای غربی نیز فعالیت‌های خود را گسترش داد و بخصوص بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قوی تر شد و دامنه فعالیتها و نفوذ خود را وسیعتر کرد. در سالهای اخیر در اکثر کشورهای غربی شاهد کشمکشی ناموزن بین شخصیتها

دوستم راجع به این موضوع حرف می‌زد. اوکه اخبار را هر روز دنبال میکند به من میگفت که هنوز بعد از شش هفته سایتهای اینترنت پر از خبر جدید راجع به این حرکت است. با هم در مورد ابعاد آن و اینکه واقعا این اتفاق جامعه را تکان داده است صحبت میکردیم. هر دو خوشحال بودیم و هر چه بیشتر به صحبت‌هایمان ادامه میدادیم بیشتر من به این نتیجه میرسیدم که هیچ حرکتی از این بهتر نمیتوانست لااقل در آلمان مقابل اسلام سیاسی قد علم کند.

این اتفاق، اتفاقی نبود! این اقدامی حساب شده، با برنامه ریزی از قبل و با کار و پشتکار شخص مینا احدی و سازمان سکولاریست-اومانیست جردانو برونو انجام شد.

نبرد علیه اسلام سیاسی در آلمان وارد فاز جدیدی شده است بر کسی پوشیده نیست که حزب ما یعنی حزب کمونیست کارگری ایران از سر سخت ترین و سازش ناپذیرترین جریان‌های سیاسی است که علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی سالهاست که در حال مبارزه است. یکی از مهمترین وظایفی که حککا در دستور کار روزانه خود

از صفحه ۱

طلم شکست

صفحه ۱۲

جنگ، ضد انسانی است

احتمال شروع جنگی خانمان برانداز و ضد انسانی در منطقه درحال قوت گیریست، وقوع چنین جنگی باعث خواهد شد میلیونها انسان بواسطه ی آن جان و مال و آرامش خود را از دست بدهند. جنگ از هر نوعش ضدانسانیتست و باید جلو عملی

از صفحه ۱۱ طلسم شکست

و جریانات سکولار و مترقی با جریانهای اسلامی که مستقیم و غیر مستقیم از طرف حکومتهاى غربى حمایت میشوند هستیم. دو سال مبارزه علیه پیاده کردن قوانین شریعه در کانادا و پیروزی درخشان کمپین "نه به شریعه" که در راس آن هما ارجمند از کادرای حزب بود از نمونه مبارزاتی بود که علیه اسلام سیاسی انجام گرفت و پیروز شد.

حمایت مستقیم و غیر مستقیم احزاب رسمی و دولتها در کشورهای اروپایی از جریانات اسلامی و حتی حمایت جریانات به اصطلاح چپ "آنتی امپریالیستی" اروپایی مبارزه علیه اسلام سیاسی را برای ما (حککا) و سازمانهای سکولار بسیار دشوار کرده بود. این موقعیت تا به حال مانع بزرگی بر سر راه ما برای عقب راندن اسلام سیاسی در اروپا و سایر کشورهای غربی بوده است.

کمپینهای مختلفی که علیه حجاب اجباری و قتلهای ناموسی و کلا مسائل و مشکلات زنان در کشورهای مختلف بخصوص در کشور سوئد به پیش برده شدند توانسته اند تا حدودی جوامع اروپایی را متوجه حقایق پنهان شده بوسیله دولتها و مدیا بکنند. در کشور آلمان این نوع کمپینها به خاطر سیاستهای ماشاات گرایانه دولت آلمان و جمهوری اسلامی و تبلیغات پرو اسلامی در مدیا و منعکس نکردن فعالیتها و کمپینهای حق طلبانه و مترقی در جامعه، مانع گسترش فعالیتهاى ما

انتظار که انتظار میرفت بود و تلاشهای ما برای جلب توجه جامعه به اهداف خود چندان موفقیت آمیز نبود. بنابر این ما روز به روز شاهد گسترده شدن فعالیت جریانات

اسلامی و حمایت هر چه بیشتر احزاب و دولت آلمان از آنها بودیم و هستیم. کنفرانس اسلام که سال پیش کار خود را شروع کرد و در راس آن وزیر داخله آلمان آقای شویبله قرار دارد هدفش انتگره کردن مسلمانان در آلمان تعریف شده است. آقای شویبله میخواهد برای جریانات اسلامی در آلمان باز هم حقوق ویژه تری قائل شود. قرار است در پایان يك دوره سه ساله این کنفرانس به این نتیجه منجر شود که مذهب اسلام (بخوان جریانات اسلامی را) به عنوان یکی از ادیان رسمی (که همان احزاب رسمی دخیل در سرنوشت مردم باشد) در آلمان با حقوق مساوی مانند مسیحیان به رسمیت بشناسند. قرار است در مدارس رسماً دین اسلام تدریس شود، قرار است نتایج این کنفرانس این باشد که مناره و مساجد در هر گوشه این جامعه و در هر شهر سر بر آورد. حتما اذان هم از بلندگوهای مساجد غروب به غروب خوانده شوند و قوانین اسلامی برای "مسلمانان" به اجرا در آیند.

اعلام شروع کار کنفرانس اسلام در آلمان نه تنها سازمانهای مترقی و سکولار را بلکه مردم عادی را نگران کرده و هر کس از خود میپرسد قرار است چه اتفاقی بیفتد. این نگرانی اما با سکوتی سنگین همراه بود. هر چند که صدای اعتراض تک و توك شخصیتها و جریاناتی بلند شده اما به نظر میامد که کسی قادر به کاری اساسی علیه آن نیست.

در دل این فضای نگران کننده و نا امید کننده سازمان "مسلمانان سابق" اعلام موجودیت میکنند و جنبشی به نام "ما از مذهب روی

خواهند قدرت خود را به رخ یکدیگر کشیده و منفعت خود را تضمین کنند. ما در مقابل وقوع جنگ هستیم، در مقابل تحریم و حمله نظامی غرب و در مقابل کلیه ی سیاستهایی هستیم که زمینه احتمال حمله نظامی غرب را فراهم می کند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
۲۰ فروردین ۸۶

گردانیم" را به حرکت درمیآورد. این جنبش مانند بهمنی است که دارد با سرعتی باور نکردنی هر روز با حرکت خود بزرگتر میشود و هیچ کس قادر به متوقف کردن آن نیست. این آن طلسمی است که باید شکسته میشد. این طلسم نه تنها در آلمان بلکه در اروپا در حال شکسته شدن است و از این فراتر بعدی جهانی به خود گرفته است. تاثیر عجیب و گسترده این حرکت هنوز هم که هنوز است برای خود من باور کردنی نیست. این تازه شروع کار است. برای اینکه این بهمن هر چه بزرگتر شود باید به آن ملحق شد. باید آن را تقویت کرد. باید عضو این سازمان شد و علناً برایش تبلیغ کرد. باید در خیابانها نوشته ها و بروشورهای آن را پخش کرد. مردم عادی در خیابانها باید با فعالین و اعضای این سازمان از نزدیک آشنا شوند. جامعه و مردم آگاه، نگران از گسترش اسلامیتها در آلمان منتظر ما بودند. "ما از مذهب رویگردانیم" بلندگوی نه تنها میلیونها انسان از کشورهای اسلامزده بلکه بلندگوی تمام انسانهای مترقی و آگاهی است که در کشورهای غربی با ما همصدا هستند و ما را در این حرکت حمایت میکنند.

موفقیت این جنبش یعنی شکست اسلام سیاسی در آلمان، اروپا و شاید همه کشورها، این دیگر بستگی به همت همه ما دارد.

من به سهم خود از همه انسانهای مترقی و انساندوست و ضد اسلام سیاسی و همه انسانهایی که حقوق انسانی را جهانشمول میدانند دعوت میکنم که به این جنبش بپیوندند. آنرا تقویت کنند تا با هم این بهمنی که به حرکت در آمده است را آنچنان بزرگ و قوی کنیم که هیچ جریان اسلامی و هیچ حزب و دولتی جرأت مقاومت در مقابل آنرا به خود ندهد.*

دوره جدید

در باره اهمیت مبارزات جاری علیه اسلام سیاسی در آلمان

قربانیان مستقیم این جنبش شدند. مشکلات متعددی ایجاد شد. اسلام سیاسی يك معضل جدی در کشورهای غربی شد.

اسلام سیاسی يك معضل جهانی است. راه خلاصی از آن هم، جهانی است. با پرچم حقوق انسان جهانشمول، با دفاع از دستاوردهای دو قرن مبارزه برای ارزش های سکولار، با طرد نسبییت فرهنگی و با مبارزه علیه راسیسم باید صف قدرتمند بشریت متمدن علیه این نیرو را بمیدان آورد. دوره قدرقدرتی اسلامیهها به پایان رسیده است. مبارزه ای که هم اکنون در آلمان علیه اسلام سیاسی در جریان است، بخشی از يك مبارزه جهانی برای قطع دخالت مذهب در زندگی مردم است. این گوشه ای از يك مبارزه

بین المللی برای شکست کامل اسلام سیاسی، این هارترین نیروی فاشیستی عصر کنونی است. این مبارزه ای علیه راسیسم و نسبییت فرهنگی است. این مبارزه ای در دفاع از ارزش های سکولار است.

شیپور يك دور جدید در مبارزه علیه ارتجاع اسلام سیاسی و مذهب بصدرا آمده است. آنچه که امروز در آلمان در جریان است، طلیعه های دوره ای نو برای خلاصی از اسلام سیاسی است. این مبارزه را باید تقویت کرد. باید فعالانه در آن شرکت کرد. این امر هر انسان سکولار هر آزادیخواه و هر سوسیالیستی در سراسر جهان باید باشد. از این مبارزه حمایت کنید!

تشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ فروردین ۸۶، ۱۲ آوریل ۲۰۰۷

از صفحه ۳ اهمیت بین المللی اول مه ...

این پیام اول مه طبقه کارگر در ایران به مردم دنیا است. فراخوان به مردم دنیا است که برای مقابله با جنگ به مردم ایران کمک کنید تا خود را از شر هم جمهوری اسلامی و هم جنگ رها کنند و ضربه ای کاری بر اسلام سیاسی وارد کنند. هرچه این صدا و این فراخوان در اول مه رساتر و سرخ تر باشد، توجه بیشتری بخود جلب میکند.*

مبارزه علیه اسلام سیاسی جامعه آلمان را دربرگرفته است. چند هفته است که فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در نبردی روزانه و سینه به سینه با اسلام سیاسی قرار گرفته اند. این مبارزه تا کنون توجه بسیاری را در آلمان و کشورهای دیگر بخود معطوف کرده است. اسلام سیاسی، این هارترین مذهب دوره کنونی زیر ضربات کوبنده قرار گرفته است. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در آلمان، صدای بشریت متمدن علیه هیولای اسلام سیاسی و مذهب بطور اعم شده اند. مبارزه برای ارزش های سکولار ابعاد بیسابقه ای یافته است. نبردی روزانه و پیگیر برای کوتاه کردن دست اسلام سیاسی از زندگی مردم در آلمان در جریان است.

با قدرت گرفتن راست ترین جناح های سرمایه داری جهانی در دهه هشتاد و نود میلادی، دستاوردهای بشری مورد تهاجم همه جانبه قرار گرفت. در این دوره، حمایت از ارتجاع اسلامی بر علیه نیروهای سکولار و جنبش های آزادیخواهانه در کشورهای اسلام زده، در دستور قرار گرفت. در غرب نیز، افسار اسلام سیاسی رها شد. با اتکا به تز نسبییت فرهنگی و توجیه حقوق بشر نسبی است، مردم را زیر دست و پای وحوش اسلامی رها کردند. زمینه ها و امکانات رشد آن را فراهم ساختند. این نیرو رشد کرد. گتوهای اسلامی ایجاد شد. پایتخت های کشورهای غربی محل سربازگیری این جنبش شد. اجماعات و جنایات جریانات اسلامی بشدت رشد کرد. زنان و دختران در محیط های اسلامی

ضدجنگ را به همستگی با مبارزه خود و مردم ایران بکشاند. این مساله صرفاً به اول مه محدود نیست اما اول مه میتواند نقطه اوج این مبارزه باشد. اول مه باید روز به اهتزاز درآمدن شعارهایی به منظور جلب توجه دنیا به مبارزه عادلانه مردم ایران باشد. طبقه کارگر برای رهایی از کل جهنمی که جامعه در آن قرار گرفته است راهی جز به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ندارد. و